

بیانیه شورای ملی مقاومت ایران

از صفحه ۱

نازیمی از سویه حساب جناحهای درون حاکمیت بود که وجه دیگری از آن، به صورت اعمال نفوذ علنی و مستقیم وزارت کشور خمینی در امر «انتخابات» و سلب هرگونه حق نظارت از «شورای نگهبان» تجلی یافت. بدین ترتیب خمینی دیگر نه به عنوان «داور» که می‌گوشد با دعوت به اتحاد بر اختلافها سرپوش بگذارد، بلکه به عنوان حامی رسمی و آشکار یکی از جناحها وارد میدان شده است و این امر جز ناتوانی کامل او در حل تضادهای نزدیک به انفجار رژیمش معنایی ندارد.

۲ - طی همین دوره، رژیم به شیوه سابق و با استفاده از مجموعه امکاناتی که در اختیار داشت، از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت طفره رفت و در عین تلاش برای جلوگیری از تصویب قطعنامه تحریم تسلیحاتی، با تمام قوا به کار آمدکردن ماشین جنگی ازنفسی‌افتاده‌اش کمر بست. اما خیلی زود معلوم شد که توانایی ادامه جنگ را در مقیاس گذشته ندارد. از یک سو تکنسین ذخایر ارزی همراه با مشکلات روزافزون فروشندگان سلاح در معامله با رژیم خمینی و از سوی دیگر شکست کامل همه تلاشها برای بسیج نیروی انسانی انبوه، دست رژیم را از نظر «تهیه عده و عده» برای حمله‌های بزرگ بست. بدین ترتیب با همه تبلیغات درباره مانورهای جنگی و رژه‌های «میلیونی» و با همه فشار ارگانهای سرکوبگر برای اخادی و سربازگیری، رژیم نتوانست نیروی لازم را برای دست‌زدن به ماجراجوییهای بزرگ فراهم آورد. ناتوانی رژیم در دست‌زدن به یک حمله بزرگ را جنبش مقاومت ایران، با ارائه دلایل روشن، مدتها پیش از آغاز «فصل حمله» اعلام کرده بود و بعدها کارشناسان نظامی دیگر هم صحت آن را تایید کردند.

بالاگرفتن دوباره «جنگ‌شهرها» - که مقاومت ایران پیوسته آن را از هر سو که باشد محکوم کرده است - برای نخستین بار تهران و دیگر شهرهای دور دست ایران را در معرض موشک‌اندازی قرار داد. رژیم قویاً کوشید تا ضعف و درماندگی ماشین جنگ ضدبیمبھی خود را با تهاجم در جبهه شمالی و اشغال شهر حلبچه تا حدی پنهان کند، اما شکست رسواکننده نیروهایش در فوار، طرف مدتی کمتر از دو روز، هرگونه توهمی را در مورد برتری کمی نیروهای رژیم زدود و به همه نشان داد که برای تدارک عملیات کم‌اهمیتی نظیر حمله به حلبچه، رژیم مجبور است بخش بزرگی از نیروهای جنگ‌طلب و اشغالگرش را از منطقه مهمی مثل فاو - که فتح آن بزرگترین دلیل برتری نظامی رژیم شمرده می‌شد - به جبهه شمالی منتقل کند. در واقع شکست سریع و کامل نیروهای رژیم در جنگ فاو به همه جهانپان، به ویژه به کشورهای منطقه نشان داد که توان تعرضی و دفاعی نیروهای رژیم دیگر در حدی نیست که آنها تصور می‌کردند. بی‌بردن به این ضعف نظامی، تحولاتی را در عرصه سیاسی، خصوصاً در رابطه کشورهای مختلف با رژیم به وجود آورد که هم‌اکنون شاهد آن هستیم.

۳ - مهمترین حاصل این تحول سیاسی، انزوای تقریباً کامل رژیم در منطقه است. به جز اسرائیل که از سیاست رژیم، چه در زمینه ادامه جنگش با عراق و چه در زمینه خصوصیت ارتجاعی با سازمان آزادیبخش فلسطین، سود می‌برد و متقابلاً کنکهای سیاسی و نظامی به رژیم می‌رساند، رژیم خمینی در منطقه متحد پیگیر و استوار دیگری ندارد، حتی سوریه، که به دلیل منافع ملموس اقتصادی و سیاسی سالها به طور منظم طرف رژیم را در برابر کشورهای عرب می‌گرفت، اینک در پشتیبانیش از رژیم دچار تردیدها و نوسانهایی شده است. کشورهای حوزه خلیج فارس نیز که همواره از درگیر شدن با رژیم پرهیز داشتند، به تدریج وادار به فاصله‌گیری بیشتر شدند. این تحول پس از مین‌گذاری و درگیری رژیم با ناوگان آمریکا در خلیج فارس و به ویژه پس از بازپس‌گرفتن شهر فاو توسط ارتش عراق، سرعت گرفت. در روند این تحول، ماجراجوی ریبون هواپیمای کویتی و گروگانگیری سرنشینان آن از طرف ابادی رژیم، نه تنها کسی را همچو گذشته برعوب نکرد، بلکه کشورهای مختلف، به ویژه کویت را به مقاومت سرسختانه در برابر شانناژ رژیم برانگیخت. قطع رابطه عربستان سعودی با رژیم خمینی که مورد استقبال مقاومت ایران قرار گرفت آخرین و مهمترین حادثه‌ای است که در زمینه ضعیف‌شدن کشورهای منطقه در مقابل رژیم پیش آمده است و بی‌تردید پیامدهای بسیار مهمی با خود خواهد داشت. بدین ترتیب رژیم خمینی، در منتهای ناتوانی نظامی، از نظر سیاسی نیز در منتهای انزوا قرار گرفته است و این امر به روند سرنوشتی این رژیم ضدبشری شتاب بیشتری می‌بخشد.

۴ - جنگ آزادیبخش که زمینه‌ساز این سرنوشتی تردیدناپذیر است، طی همین دوره به پیشرفتهای چشمگیری دست یافته است. با سلسله عملیات آذرمه گذشته در سراسر نوار مرزی، مرحله عملیات جداگانه تپهای رزمی پشت سر گذاشته شد و عملیات بزرگ «آفتاب» در آغاز سال نو، با شرکت همزمان و هماهنگ ۱۵ تپ ارتش آزادیبخش از جمله تپهای زنان رزمنده، که منجر به متلاشی‌شدن لشکر ۷۷ رژیم

گردید، خبر از شروع مرحله جدیدی از جنگ آزادیبخش می‌داد که، به‌عرم تمام توطئه‌های دشمن و همدستانش، با سرعت و موفقیت به پیش می‌رود. توطئه‌گری رژیم علیه جنبش مقاومت، البته حدیث دیرینه‌ی است و سالهاست که به شکلهای مختلف، از ترور فردی تا تهاجم گسترده و سازماندهی شده، و از گروگانگیری اعضای خانواده‌های رزمندگان مقاومت تا بندوبست با کشورهای خارجی برای وارد آوردن فشار به وابستگان جنبش، همواره ادامه داشته و همواره بی‌نتیجه مانده است. در سال گذشته رژیم توانست از طریق معامله با دولت فرانسه، این دولت را به استخراج عده‌ی از وابستگان به جنبش مقاومت وادارد. اما اعصاب غذای قهرمانان قربانیان این توطئه و پشتیبانان مقاومت و خانواده‌ها و دوستانشان در کشورهای مختلف و نیز حمایت گسترده بسیاری از هموطنان و مدافعان آزادی در سراسر جهان نه تنها دسیسه رژیم را به‌طور کامل نقش بر آب کرد، بلکه وزن و اعتبار مقاومت ایران را بیش از پیش بر جهانپان آشکار ساخت و از این راه، انزوای رژیم خمینی و مغایرات حیثیتی ناشی از بند و بست با چنین رژیم منقوری را در صحنه بین‌المللی افزایش داد.

۵ - اعتلای جنگ آزادیبخش و افزایش اعتبار مقاومت مردمی در صحنه جهانی، اضعاف مقاومت را به پیوستن به رژیم و ایجاد صف واحد در برابر «دشمن مشترک» برانگیخته است. وحدت عمل این دشمنان رنگارنگ مقاومت با رژیم خمینی، در دو زمینه تجلی خاصی دارد: حمایت از سیاست جنگ‌طلبانه رژیم و دشمنی با ارتش آزادیبخش ملی. حمایت از سیاست جنگ‌افروزان رژیم، با انگیزه انحراف اذهان از گسترش جنبش صلح، مقاومت مسلحانه و براندازی رژیم، که مدتها به صورت تبلیغ خصومت و دشمنی نسبت به عراق به جای رژیم خمینی جلوه‌گر می‌شد، اینک به مخالفت علنی و آشکار با صلح، به ویژه با قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت که خواهان پایان جنگ و استقرار صلح است، مبدل شده است. این پشتیبانی روشن و آشکار از سیاست جنگ‌طلبانه رژیم، به ویژه از سوی بقایای رژیم شاه و زانده‌های رژیم خمینی، خود، نشان می‌دهد که پایان جنگ و استقرار صلح تا چه حد برای رژیم خمینی مرگبار است و مرگ رژیم خمینی که به مثابه پیروزی قطعی مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی است تا چه حد با نابودی سیاسی همه این گروايشهای ارتجاعی پیوند مستقیم دارد. اما حمله به ارتش آزادیبخش ملی، که ابتدا به عنوان «همکار دشمن» هدف تبلیغات کینه‌تورانه ضدانقلاب ورشکسته و مغلوب بود، اخیراً شکل رسواتری به خود گرفته و به صورت تجلیل از ارتش و سپاه خمینی درآمده است. اضعاف مقاومت، ارتش خمینی را که در خدمت رژیم سرکوبگر و جنگ‌افروز خمینی است و بر ضد عالیترین مصالح مردم ایران عمل می‌کند «ارتش قهرمان ایران» می‌خوانند و حمله به این ماشین جنگ خمینی را «خیانت» یا در بهترین صورت «برادرکشی» می‌نامند. صرفظراً از منافع ملموسی که این مدعیان در حفظ رژیم خمینی دارند، در موضعگیری آنها بی‌شک بخشی از این توهم دیرینه هم وجود دارد که ارتش خمینی همان ارتش زمان شاه است و بنابراین می‌توان به احتمال یک کودتای ارتشی امید بست. دامن‌زدن به این توهمات طبعاً مطلوب سرکردگان ارتش خمینی هم هست، زیرا خیانت آنها را در پیشبرد جنگ ضدبیمبھی پرده‌پوشی می‌کند. بدین ترتیب فرماندهان و گردانندگان ارتش خمینی این «استیاز» را پیدا می‌کنند که هم از توبره رژیم بخورند، هم از آخور ادعای مخالفت با رژیم، به گزارش فرماندهی ارتش آزادیبخش ملی، آثار آگاهی به چنین «موقیعت ممتاز»ی در رفتار آن عده از فرماندهان واحدهای مختلف ارتش خمینی که به اسارت مقاومت درآمده‌اند، کاملاً آشکار است. ارتش خمینی، اما، یکی از مهمترین ارکان رژیم و پیش‌برنده سیاست جنگ‌طلبانه خمینی است و یگانه نقش سالهاست که نابیدن تنور جنگ ضدبیمبھی بوده است. به علاوه با تاسیس ارتش آزادیبخش ملی و اعلام آمادگی برای پذیرش همه رزمندگان که خواهان سرنوشتی رژیم خمینی هستند، ولو با برنامه شورای ملی مقاومت و دولت موقت موافق نباشد دیگر برای ارتشی که در عمل محوری سیاست جنگ‌افروزان خمینی است، جایی باقی نمی‌ماند. فرار عده زیادی از نفوات ارتش خمینی و پیوستنشان به ارتش آزادیبخش ملی گواه آن است که ارتشپانی که به واقع قصد براندازی رژیم منفور خمینی را دارند، به خوبی آگاهند که جایشان در کدام ست است. گریز ده‌ها هزار نوجوان ایرانی از اجبار خدمت در جبهه‌های جنگ ضدبیمبھی با وجود آگاهی از همه سختیهای درگیری در خارج کشور، نیز نشان‌دهنده آن است که تمام ماشین جنگ رژیم، از جمله ارتش خمینی، هیچ مشروعیتی ندارد.

۶ - با پیشرفت عملی مقاومت مسلحانه و روشن‌تر شدن دورنمای پیروزی مقاومت، گسستن از سیاستهای تسلیم‌طلبانه و مذاکره‌جویانه در صف مقابل نیروهای خمینی نیز بیش از پیش نمایان می‌شود. اعلام مواضع اخیر حزب دموکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) و پیوستن بخش بزرگی از نیروهای پیشمرکه و کادرهای حزبی به این مواضع، گویاترین نمونه در این زمینه است. خلق ستمدیده کرد، که برای به دست‌آوردن ابتدایی‌ترین حقوق سالهای طولانی است که با رژیم خمینی می‌جنگد، درصحنه ۴

اخبار و رویدادها...

از صفحه ۱۲

گفته است: "ایرانیها با همان اسلحه‌ای که ما حمل کرده‌ایم، که رنگان بطور غیر قانونی به آنها فروخته بود."

ملاقات یاسر عرفات رهبر ساف با
حافظ اسد رئیس جمهور سوریه

یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در روز دوشنبه ۵ اردیبهشت جاری وارد دمشق پایتخت سوریه گردید. وی بلافاصله بعد از ورود به دمشق مورد استقبال چندین هزار فلسطینی ساکن اردوگاه بزمولک قرار گرفت.

عرفات با حضور در قبرستان شهدا واقع در همین اردوگاه بر مزار شهید قهرمان "ابوجهاد" رفت. به گزارش خبرگزاری فرانسه در شامگاه پنجم اردیبهشت حافظ اسد رئیس جمهور سوریه و یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در کساح ریاست جمهوری سوریه با یکدیگر به مدت ۲ ساعت دیدار و مذاکره کردند. سخنگوی ریاست جمهوری سوریه این مذاکرات را حول وحدت اعراب و فلسطین و لزوم حمایت از قیام‌های مردمی علیه اشغالگری اسرائیل نامید.

به گزارش نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلحان خارج از کشور (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران)، رژیم ضد بشری خمینی تعداد زیادی از کارگران کارخانه جنرال در تهران را از این کارخانه اخراج نموده است. این گزارش حاکیست که تا اسفند ماه گذشته تعداد این کارگران به ۱۵۰ نفر رسیده و ۲۵۰ نفر دیگر در معرض اخراج قرار دارند. همچنین به علت اختتام ارز مورد نیاز این کارخانه به نامین مسائل مورد احتیاج جیبه جنگ شد میهنی و فقدان مواد اولیه تولید این کارخانه به روزی ۴ تا ۵ دستگاه لوازم خانگی پاشین آمده و رژیم بقیه کارگران را مجبور کرده است که به پاک کردن ماهی جنوب بپردازند.

آزادی گروگانهای فرانسوی

ندیمال زده‌بندهای ژاک شیراک نخست وزیر دولت راستی سابق فرانسه با رژیم خمینی سرانجام به تن از گروگانهای فرانسوی بنامهای مارسل کارتن مارسل فونتن و ژان پل کومفن که بمدت سه سال در دست عوامل رژیم خمینی در لبنان اسیر بودند آزاد شده و به پاریس بازگشتند. آزادی این گروگانها که در جریان یک معامله طولانی مدت با رژیم خمینی حاصل شد از نظر دولت شیراک بمنظور اثر گذاری بر افکار عمومی فرانسه در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه که در آن ژاک شیراک رقیب عمده فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه میبود و درست چهار روز قبل از مرحله دوم انتخابات صورت گرفت. گروگانها از شرایط غیر انسانی که عوامل

خمینی در مدت سه سال برای آنها فراهم کرده بود سخن رانند. لازم به یادآوری است که در انتخابات فرانسه علیرغم تلاشهای ژاک شیراک نخست وزیر دست راستی، مردم فرانسه با انتخاب فرانسوا میتران با اکثریت بسیار کمی یعنی ۵۴٪ آرا عمیق تفرق خود را از معامله و زده‌بند شیراک با رژیم تروریست خمینی به او نشان دادند.

انتخابات ریاست جمهوری فرانسه

با ظاهر شدن تصویر فرانسوا میتران در شامگاه ۸ مه بر روی صفحه تلویزیونهای فرانسه معلوم گردید که فرانسوا میتران برای بار دوم و برای یک دوره ۷ ساله دیگر به سمت ریاست جمهوری فرانسه انتخاب شده است. میتران ۷۱ ساله که سوسیالیست می‌باشد توانست با کسب ۵۴٪ آرا به پیروزی برسد. ژاک شیراک رقیب انتخاباتی میتران که از طرف اتحاد راستهای فرانسه کاندید شده بود با شکستی تحقیر آمیز فقط ۴۶٪ آرا را به خود اختصاص داد و این شکست برای یک کاندیدای راست در فرانسه طی ۲۰ سال گذشته سابقه نداشته است. حدود ۲۱/۵ میلیون از مجموع ۳۸ میلیون رای دهنده فرانسوی به پای مندوقهای رای رفتند.

به گزارش مطبوعات فرانسه رژیم خمینی بقصد یاری رساندن به ژاک شیراک اقدام به آزادی گروگانهای فرانسوی در لبنان نمود تا وی بتواند از تاثیر این مسئله بر افکار عمومی سود جوید و لسی تمامی تلاشهای رژیم را به نتیجه نرسید و شکست سختی را متحمل شدند.

رژیم خمینی در اوج بحران و بن بست و درحالیکه قادر به انجام عملیات پیروزی در تمام جبهه‌ها نیست (رژیم) قبلا ادعا میکرد که عملیات پیروزی در پی مستمر و بدون وقفه را آغاز خواهد کرد، هر چند گاه برای روحیه دامن به نیروهای شکست خورده خود، عملیات کوچکی را در جبهه شمالی اعلام می‌دارد. به گزارش رادیو رژیم در آخرین ساعات روز ۶۷/۲/۲۷، نیروهای جنگ افروز رژیم در منطقه شرق سلیمانیه اقدام به عملیات موسوم به بیت المقدس ۶ نموده‌اند، بر اساس گزارشات دریافتی این عملیات بسیار کوچک و ناچیز بوده و برای رژیم در همان لحظات اول شکست به‌مراه داشته است.

حزب الهی‌های ارتجاعی وابسته به رژیم خمینی طی نظهراتی که در شهر استکهلم سوئد بمناسبت جمعه آخر ماه رمضان برگزار کردند، با جاقو، پنجه بکی و سایر سلاحهای سرد بجان ایرانیانی که تفرق خود را از جنگ و سرکوب رژیم خمینی ابتر می‌داشتند، افتادند و تعدادی از هموطنان مسلمان را زخمی نمودند. به گزارش مطبوعات سوئد حال یکی از زخمی شدگان بشدت وخیم است.

روز ۲۲ اردیبهشت امسال، هواپیماهای عراق بزرگترین نفتکش جهان و ۳ نفتکش دیگر را که

در اختیار رژیم خمینی بود، در کنار جزیره لارک مورد حمله قرار دادند. بطوریکه پس از مدتی عظیم‌ترین نفتکش جهان با انفجار بزرگی کاملاً در دریا غرق شد.

انتخابات مجلس آخوندی

دور دوم نمایش انتخاباتی مجلس ارتجاع روز جمعه ۶۷/۲/۲۲ به پایان رسید. با وجود اینکه شواهد بسیار دلالت بر یک تصفیه وسیع در مجلس می‌کرد، اما جناح طرفدار "فقه سنتی" با تبلیغات بسیار در دور دوم انتخابات نیز شرکت نمودند و به وسیله خمینی توده‌های محکمی دریافت کردند.

از چهره‌های سرشناس این جناح یکی دو نفر توانستند به مجلس راه یابند. بدین ترتیب خمینی یکبار دیگر به نفع حاکمیت ننگین خودش، تعدادی از مزدوران و سرسپردگانش از قبیل شیخ محمد بزدی مسگر اولادی (قبیله الوزرا)، غفوری فرد، رجایی خراسانی و... را از گردونه خارج نمود. اما نکته جالبی که در نمایشات این دوره مجلس ارتجاع چشم می‌خورد، کاهش قابل توجه شمار رای دهندگان بر اساس آمار خود رژیم است. با وجود اینکه رژیم یک سال از سن رای دهندگان کم نمود و آنرا از ۱۶ سال تمام به ۱۵ سال تمام کاهش داد، اما آماري که خود رژیم منتشر نموده، افلاس و ورشکستگی رژیم را به خوبی نشان می‌دهد. مثلا در شهر تبریز که جمعیت آن بیش از یک میلیون نفر است، چهار نفر نماینده انتخاب شده صاحب ۵۲ هزار، ۵۰ هزار، ۴۹ هزار و ۲۱ هزار رای مثبت می‌باشند و این نشان می‌دهد که علیرغم تمام تبلیغات و تقلبات و صندوق پرکردن و تهیید به نماند کویین باز هم اکثریت قاطع مردم از شرکت در انتخابات خودداری کرده‌اند.

قسمتهایی از یک نامه رسیده از ایران

..... همانطور که میدانی فعلا چند روزی است که موشک باران قطع شده ولی معلوم نیست چه میشود اگر از ایران انگولک نشود میتوان امیدوار بود که فعلا موشک قطع شده. از وضع ایران هر چه بگویم کم گفتم در این مدتی که ما نبودیم قیمت همه و هر چیز دو برابر شده و اغلب اجناس هم با دلار معامله میشود. در روزنامه اطلاعات نوشته بود بعید نیست نان بربری هم همین روزها به دلار امریکایی فروخته شود. جالب است که همه چیز با دلار امریکایی است ولی مسئولین کشور می‌گویند هر کس نگوید مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل نماز و روزه اش قبول نیست!! در تهران محضر عجیبی است شهر، شهر ارواح است در روزهای اول بعد از قطع موشک باز هم هیچکس به تهران برنگشته بود. هنوز هم کس اردیبهشت است ۸۰٪ مردم برنگشته‌اند اوتومبیل به ندرت از خیابانها عبور میکند مدارس به کلی تعطیل است. حقوق کارمندان دولت را تا دهم برج بعد نمیتوانند پرداخت کنند. اقتصاد ورشکسته عجیبی است همانطور که گفتم بلیط هواپیما و اجناس همه به دلار شده است ولی حقوق کارکنان دولت همان حقوق ۱۰ سال پیش است. در گوشه کنار شهر همه جا آثار خرابیهای موشک دیده میشود. نکته جالب در صفحه ۱۰

ختم جنگ داخلی در کردستان ایران يك اقدام مسئولانه و مترقی

تحت عنوان حزب دمکرات کردستان ایران در داخل کردستان جلوگیری کند و از هم اکنون نسبت به هر گونه رویدادی که در این رابطه پیش آید ، منحرفین را مسئول می‌شناسد" بدین ترتیب طرفداران کنگره هشتم در صدد برافروختن آتش يك جنگ داخلی دیگر در کردستان ایران هستند ، جنگی که مسلماً از طرف مردم سراسر ایران مردود اعلام خواهد شد .

ما ضمن محکوم نمودن این سیاست جنگ افروزانه خواستار موضع گیری تمام نیروها در مقابل این سیاست جنگ افروزانه ، خواستار موضع گیری تمام نیروها در مقابل این سیاست غیر مسئولانه که تنها رژیم خمینی از آن سود می‌برد هستیم ، ضمن آن گروه هایی که با مواضع سانسورستی مسئولیت هر دو جناح را در تماسی عرصه‌ها یکسان اعلام کرده و با اتخاذ مواضع کذبانه ، واقعیات را از چشم مردم پنهان می‌دارند ، اکنون با این مواضع جنگ افروزانه باید بدانند که عملاً در برافروختن آتش يك جنگ دیگر در کردستان ایران سهیم هستند ، مگر اینکه مواضع اخیر طرفداران کنگره هشتم را صریحاً و بدون اما و اگر محکوم کنند .

به دنبال انشعاب در حزب دمکرات کردستان ایران و اعلام مواضع مترقیانه رهبری انقلابی این حزب ، انتظار خاتمه سریع جنگ داخلی در کردستان ایران می‌رفت . رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران ، به این انتظار و خواست تمامی مردم کردستان و مردم سراسر ایران و تمامی گروه های سیاسی ایران پاسخ داد و در تاریخ ۶۷/۱/۳۰ ، اعلام آتش بس یکجانبه با کومه نمود . متن اعلامیه زیر در همین شماره نبرد خلق چاپ شده است . به دنبال اعلام آتش بس از طرف رهبری انقلابی ، کمیته مرکزی کومه در تاریخ ۶۷/۲/۳ ، به خواست عمومی مردم پاسخ داد و با مثبت ارزیابی "گدن اقدام حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی ، با هر دو جناح حزب ، اعلام آتش بس نمود که هنوز از جانب طرفداران کنگره هشتم ، پاسخ داده نشده است . در عوض طرفداران کنگره هشتم ، طی يك برنامه رادیویی در تاریخ ۶۷/۲/۷ تصمیمات غیر مسئولانه و جنگ افروزانه و تهدیدآمیزی را اعلام میدارد . آنها در برنامه رادیویی خود جناح رهبری انقلابی را تهدید به درگیری نظامی می‌کنند و می‌گویند : " حزب ما حق تردید ناپذیر خود میداند که از فعالیت گروه منحرف

بیانیه شورای ملی مقاومت ایران

از صفحه ۲

طبعاً نمیتواند از طرف سیاست مذاکره جویی با رژیم و سازش طلبی با بقایای رژیم گذشته ، از تکیه و پافشاری بر ادامه مبارزه مسلحانه با رژیم و ضرورت ایجاد پیوند با جنبش سراسری و قطع خونریزی و درگیری های داخلی در کردستان ایران شادمان نباشد اینک بر حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) است که به انتظارات مشروع این خلق ستمدیده پاسخ دهد و با پیگیری عملی مواضع مترقیانه خود ، به حالت انفعال و تسلیمی که سیاست مذاکره جویانه گذشته در میان مبارزان کرد و پیشمرگه ها پراکنده بود ، پایان بخشد .

۷- شورای ملی مقاومت از بررسی مجموعه رویدادهای داخلی و بین المللی در چند ماه اخیر نتیجه می‌گیرد که فورنمای پیروزی مقاومت مردمی بسیار روشن تر از گذشته شده است . از اینرو بسیار دیگر از همه هم میهنانی که خواهان سرنگونی رژیم استبداد مطلقه فقیه و بر کرسی نشستن حق حاکمیت مردمند می‌خواهد که برای کوتاهتر کردن عمر رژیم ضد بشری ، به هر نحو که میتوانند ، به یاری جنبش مقاومت برخیزند .

شورای ملی مقاومت
۱۶ / اردیبهشت ۱۳۶۷

اطلاعیه

حزب دمکرات کردستان ایران رهبری انقلابی
مبنی بر اعلام آتش بس یکجانبه در درگیری مسلحانه حزب دمکرات و کومه

کرد در کردستان ایران نتایج زیانباری در برداشته است ، و به منظور تطبیق بخشی از مفاد بند پنجم اعلامیه ده ماده ای رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران منتشره در ۱۳۶۷/۱/۱ ، در راستای تقویت و ارتقای هر چه بیشتر این جنبش ، از تاریخ ۱۳۶۷/۲/۱ بطور یکجانبه اعلام آتش بس می‌نمائیم .

حزب دمکرات کردستان ایران
رهبری انقلابی
۱۳۶۷/۱/۳۰

هم میهنان شرافتمند!

خلق مبارز کرد!

احزاب و سازمانهای مترقی و انقلابی ایران!

اعضا ، کادرها و پیشمرگان دلیر حزب دمکرات کردستان ایران!

با احساس مسئولیت در برابر خلق ستمدیده کرد و سایر خلق های ایران ، با توجه به این واقعیت که درگیری های مسلحانه میان کومه و حزب ما طی چند سال گذشته برای جنبش ملی - دمکراتیک خلق

می‌افته که يك ماشین گازوئیل پیدا کنی و بجای لیتری يك تومن لیتری ۶ تومن بخری که اینهم خیلی به ندرت بدست میاد . بنابراین مردم مجبورند يك حلب نفت ۲۰ لیتری را ۱۸۰ تومن گیر بیاورند و يك اطاق را گرم کنند . محله های فقیر نشین بیشتر سعی میکنند که کرسی بگذارند ولی خاکی ذغال را باید تابستون تهیه کنند ، چون زمستون بکلی نایاب میشه تازه قیمت لحاف کرسی داره به قیمت يك خونسه میرسه ۱ بهر حال همین باعث میشه که بچه ها خون سرما بخورن مریض بشند یا از بوی دود ذغال خفیه بشن یعنی وضع ۵۰ سال پیش ، شاید هم صد سال پیش .

با این تفاوت که اون موقع لااقل خاکی ذغال در دسترس مردم بود یعنی مملکت برگشته به حدود ۱۰۰ سال پیش . برق هم نیست . برق چیزیه که اگر هیچ نوع وسیله گرم کننده ای نباشد ممکنه اشخاصی که وضعشون نسبتاً خوبه با يك بخاری برقی کوچیک لااقل يك اطاق را گرم کنند . اینهم برای چند ساعت ،

همراهت باشد و دور خیابانها يك صبح تا غروب بگردی اگر طرف با اتماف باشه به ده برابر قیمت بواشکی کسی نفهه يك گاز بهت میده مثلاً به جای ۲۰ تومن ۱۰۰ تومن بدهی کوبین هم بدهی ، اونهم خیلی به ندرت ، بنابراین ۹۰ در صد مردم غذای مورد می‌خورند و این مسئله زمستون و تابستون نصداره . برای گرم شدن در زمستون هم بعضی خونه ها با بخاری نفتی و بعضی هم که شوفاژ دارند ولی نه نفت کیرشون میاد نه گازوئیل چون نفت کوبینی است ، سهمیه هم که در ماه ۲۰ لیتر است گیر نمیداد و باز کوبین ها رو دست مردم می‌مونه اگر به موقعی شعبات نفت بهارن صف های خیلی طولانی برای گرفتن نفت هست که با لاخره بعد از يك صبح تا غروب در صف بودن باز هم نمکونه بهت نرسه اما همین شعبات نفت ، کارهای غیر انسانی هم میکنند مثلاً خود من با نبودن نفت مجبور شدم بعد از اینکه يك صبح تا غروب با ماشین توی خیابانها راه افتادم ۲۰ لیتر نفت سهمیه که مثلاً ۷ تومن است چند بار به قیمت ۱۸۰ تومن از خود نفت فروش خریدم . معلوم نیست کسانی که این پول را ندارند چطور باید زندگی کنن . حالا ما تازه از شوفاژ گازوئیل استفاده میکنیم و علت استفاده از نفت این بوده که ۵ ماه تمام گازوئیل نداشتیم در نتیجه نه شوفاژ داشتیم نه حمام . گازوئیل هم بطور سهمیه است که اونهم در زمستون بطور کلی نایابه ، خیلی به ندرت اتفاق

گزارشی از وضع مردم

از صفحه ۱

اما در تهران که مثلاً پایتخت است در هفته سه یا چهار روز یا شب کامل برق نیست و مردم نه روشنایی دارند و نه می‌تونند از وسایل برقی استفاده کنند . آنها که یخچال دارند همه یخچالهاشون سوخته در اثر قطع و وصل برق که بدون اطلاع قبلی انجام میشه حالا مقایسه کنید کسانی که حتی پول دو لیتر نفت را هم ندارند .

تمام بچه های مردم مریض هستند چون توی مدرسه ها نفت نیست بچه ها از سرما مریضند . پول نفت را هم تازه از بچه ها می‌گیرن ، بگذریم که گنج و تخته پالکین را هم باید بچه ها بخرند . بچه ها ذات الریه ، سینه پهلو می‌کنند خلاصه درد زیاده درمانش را باید پیدا کرد . تازه جالب اینجاست که حکومت تمام این مسائل را گردن جنگ می‌اندازه و بهش میگن جنگ تجمیلی ، به این بهانه هر کساری میخوان می‌کند .



واگذار می‌کند. همسر ابوجهاد می‌گوید اگر بگردن جسد ابوجهاد به سوریه سبب خوب شدن روابط سوریه با فلسطینی‌ها میشود، بهتر است جسد را به سوریه ببریم.

ابوباد مرد شماره ۲ و مسئول سرورس امنیتی و اطلاعاتی سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد که قیام در سرزمینهای اشغالی ادامه خواهد یافت. وی افزود که رئیس جدموساد مسئول اصلی ترور ابوجهاد است و ما انتقام خود را از اسرائیل در سرزمینهای اشغالی خواهیم گرفت. «در حالیکه تمامی سرزمینهای اشغالی در آتش قیام مردمی که با شهادت ابوجهاد اوج تازه‌ای یافت، میسوزد رژیم ضد بشری صهیونیستی که همیشه اخبار تقاضات مردم قهرمان فلسطین را به خوبی حسیت میداد، اینبار با سکوت کامل در مقابل اخبار مربوط به شهادت

ابوجهاد و انعکاس آن در حرکات اعتراضی مردم سرزمینهای اشغالی همسویی خود را با اسرائیل و دشمنی گور و دندنشانه خود را با قیام مردم فلسطین و رهبران آن بخوبی نشان داد. جسد ابوجهاد با شکوه فراوان در سوریه و در نزدیکی دمشق پایتخت این کشور با حضور تعداد زیادی از شخصیت‌های فلسطینی به خاک سپرده شد. به گزارش روزنامه الخلیج چاپ امارات متحده عربی در تشییع جنازه ابوجهاد حدود یک میلیون نفر شرکت کرده بودند و این بیسابقه‌ترین تجمع در شهر دمشق بوده است. بلافاصله پس از ترور رفیق ابوجهاد، از طرف آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت تلگراف تسلیتی برای یاسر عرفات، رهبر مقاومت مردم فلسطین ارسال شد که متن کامل آن در همین شماره نبرد خلق چاپ شده است.

همچنین در بزرگداشت این رزمنده دلیر مردم فلسطین، یک تشییع جنازه سمبلیک در روز جمعه ۳۰ فروردین ماه در پاریس برگزار شد که تعداد کثیری شرکت داشتند. رفقای سازمان ما با شرکت در این مراسم پر شکوه یکبار دیگر الزجار خود را از ترور رفیق خلیل الوزیر (ابوجهاد) اعلام نمودند.

سمیر غوش دبیر کل جنبه مبارزه مردم فلسطین (سانا) و سازمان العاققه به ریاست عصام قاضی ضمن محکوم کردن این جنایت اسرائیل ابوجهاد را فرماندهی بزرگ توصیف کردند.

به گزارش فرانس پرسیز، از تونس، قاتلان ابوجهاد از دو مینی بوس و یک اتومبیل کرایه‌ای استفاده کرده و پس از انجام جنایت خود، آنها را در منطقه راشواد در ده کیلومتری شمال محل سکونت ابوجهاد رها کردند. این اتومبیلها از طرف سه لبنانی در تونس اجاره شده بودند. به گفته مسئولان فلسطینی

رفیق ابوجهاد (خلیل الوزیر) یکی از میانگذاذاران الفتح، بار دیرین یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین و جانشین فرماندهی کل نیروهای مسلح انقلاب فلسطین و مسئول سازماندهی قسام در سرزمینهای اشغالی در ساعت ۲ باعداد روز شنبه ۲۷ فروردین ماه توسط یک واحد کماندوئی ارتش مزدور اسرائیل مرکب از ۸ مرد و یک زن که مسئول ارتباطات با ترورهای پشتپنانه‌ای و همچنین مسئول قیلمبرداری از صحنه جنایت صهیونیستها بود در حضور همسر و فرزندانش بشهادت رسید. به گزارش

شهادت جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح انقلاب فلسطین و او جگیری جنبش مردمی در سرزمینهای اشغالی

به احتمال زیاد واحد کماندوئی مزبور از سوی حدود سی تن دیگر در خارج از خانه حمایت می‌شدند. زمین العابدین بن علی وهادی بکوش رئیس دولت و نخست وزیر کشور تونس ضمن محکوم کردن این عمل وعده پیدا کردن و محازات عاملین این جنایت را دادند.

شادلی قلمی دبیر کل اتحادیه عرب اسرائیل را مسئول قتل ابوجهاد دانست. سرهنگ قذافی و ملنگ حسین با ارسال تلگراف به یاسر عرفات قتل ابوجهاد را محکوم کردند. خیرگزاری‌های ضمن محکوم کردن این جنایت، اسرائیل را مسئول قتل ابوجهاد معرفی کرد.

انتشار الوزیر (ام الجهاد) همسر ابوجهاد در پیامهایی با رادیو مونت کارلو جزئیات قتل ابوجهاد را توضیح کرد.

یاسر عرفات رهبر ساف ضمن اعلام اینکه خون بهای دوست، برادر و یاور انقلابش به هدر نخواهد رفت گفت این تصمیم در بالاترین سطح محافل دولتی اسرائیل و با چراغ سبز امریکا اتخاذ شده است.

به گزارش یونایتدپرسیز، شبکه تلویزیون آن بی سی امریکا در گزارش مجدد خود اعلام کرد که کابینه اسرائیل طرح ترور را تصویب کرده بود و ۵ نفر از وزرای کابینه از جمله اسحاق سمیر نخست وزیر و آرئیل شارون وزیر دفاع سابق اسرائیل به آن رای مثبت داده بودند. به گزارش خیرگزارها اکثر رهبران صهیونیست خشنودی خود را از این جنایت ابراز داشتند. دولتهای فرانسه، یونان، لهستان، کان، آلمان شرقی، شوروی، مراکش، عراق، ترکیه چین، امارات متحده عربی با ارسال پیامهای تسلیت به یاسر عرفات تاسف عمیق خود را از فقدان ابوجهاد اظهار داشتند. دولت سوریه نیز که ابوبجهاد را از سال ۱۹۸۳ بعد از ایجاد اختلال بین یاسر عرفات و دولت سوریه به عنوان عنصر نامطلوب توصیف کرده بود از دفن جسد وی در دمشق جایی که پدر و مادر ابوجهاد زندگی میکردند استقبال کرد.

ابوجهاد از قبل وصیت کرده بود که جسد وی در کرانه غربی رود اردن بخاک سپرده شود. در این رابطه در میان رهبران ساف گفتگوهایی صورت می‌گیرد که به نوشته مجله الیوم السامع، یاسر عرفات تصمیم نهایی را بعهده همسر ابوجهاد

یکی از سخنگویان فلسطین، مزدوران مسلح با یورش به محل اقامت ابوجهاد ابتدا با کشتن ۳ محافظ وی با سلاحهای مجهز به صدا خفخفه کن وارد خانه شده و با شلیک به همه طرف خانه وارد اطاق خواب ابوجهاد گردیده و وی را در حالیکه اسلحه در دست در انتظار آنها بود با شلیک بیش از ۵۰ گلوله بشهادت رساندند.

ابوجهاد که ۵۳ سال داشت مدت ۲۰ سال از زندگی خود را صرف مبارزه برای رهایی سرزمین ابا و اجدادش کرد. وی در دهم اکتبر ۱۹۳۵ در شهر رام الله در نزدیکی تل آویو بدنیا آمد. در سال ۱۹۵۰ زمانی که در مصر مشغول فعالیت بود توسط مأمورین امنیتی و اطلاعاتی مصر دستگیر و از این کشور اخراج گردید. در اکتبر سال ۱۹۵۹ وی به همراه یاسر عرفات و ۳ تن دیگر از یارانش سازمان الفتح را در کویت بنیانگذاری کرد و در ۱۹۶۳ اولین دفتر الفتح و اولین اردوگاه نظامی را در الجزایر دایر نمود.

بلافاصله پس از این جنایت صهیونیستها نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در پاریس عامل جنایت را اسرائیل معرفی نمود و تاکید کرد طبق اطلاعات کسب شده در ماه گذشته اسرائیل قصد داشته عرفات یا یکی از معاونینش را ترور کند. در پی پخش اخبار مربوط به این جنایت، قبیح موجی از تظاهرات و اعتصاب سرزمینهای اشغالی را در بر گرفت و طی آن درگیریهای شدیدی بین تظاهرکنندگان و نیروهای مسلح اسرائیلی به وقوع پیوست که متقابلاً ده‌ها فلسطینی کشته و حدود صد نفر زخمی شدند.

عرفات رهبر ساف سفر خود به کشورهای مغرب حوزه خلیج فارس را نیمه تمام گذاشت و به تونس رفت. شخصیتهای فلسطینی و دولتمردان مغرب بلافاصله این جنایت، اسرائیل را محکوم کردند. هر هشت جناح (ساف) قتل خلیل الوزیر معاون فرماندهی این جنبش را محکوم کردند و هر مجازات مرتکبین آن تاکید نمودند.

جرح حبش رهبر جنبه خلق برای آزادی فلسطین این جنایت صهیونیستها را شرم آور خواند. سخنگوی جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین به رهبری نایف خواتمه این جنایت را محکوم کرد.

و نگون بخت تبعیدی که بجای " توده‌ی اصلی جامعه " و " ۹۰ درصد توده مردم " اظهار فضل کرده و گویا هنوز خود را پشت تریبون " مجلس سنا " می‌پندارد، بگذریم، مضمون جمله حاضر چیزی جز تبلیغات کهنه شده و تکراری ساواکهای شاه و خمینی را دربر ندارد. مضمون سخن جنشهای ملی - دمکراتیک و مبارزه مسلحانه کنونی به تجزیه طلبی، تقریباً به سنت پایدار بورژوازی شونیست بدل گشته است. بیاد بیاوریم چگونه رژیمهای شاه و خمینی مطالبات به حق خلق کرد در زمینه اداره امور داخلی و نیز حفظ و حراست از فرهنگ و زبان خویش را دهها سال به بهانه تجزیه طلبی سرکوب کرده و می‌کنند. اکنون نیز هنگام با رشد مقاومت، این اتهام باز هم مطرح گردیده است.

آن جنبشی که تحت رهبری بورژوازی نباشد

و لحظه به لحظه فروتر می‌رود و با این وجود وانمود میکند که با هر زمین سفت داره [سرخوش پلی صدر بازرگان، حاج سید جوادی و بسیاری دیگر از مهربهای ریز و درشت بورژوازی که همراه با اعتلاء - معاومت و در پیش گرفتن سیاستهای رادیکال از جانب آنان وحشت زده به رژیم خمینی پناه برده و نصیحت کنان حاکمیت را به " بیان پاریس " " حکومت قانون " دعوت می‌نمایند، در حقیقت سرخوش مشترک تمام این به اصطلاح اپوزیسیون هاست و هر چه روند مقاومت به سمت کسب حمایت، سازماندهی و تشکل پایه‌های مادی خود پیش برود، سرعت و دامنه تلاشی این اپوزیسیون‌های دروغین سریعتر و گسترده‌تر خواهد بود. تغییر کیفی سیستم نظامی مجاهدین خلق از اشکال محدود سازماندهی، به ارتش آزادبخش ملی که بطور بالقوه دارای ظرفیت

آینده سرنوشتی رژیم خمینی، مانند هر ایسده عام دیگر تا هنگامی که دایره‌ی شمول آن اصولی بودن سرنوشتی رژیم و غیر متعارف بودن بقای آن را در بر می‌گیرد، قادر است بصورت خواست مشترک طبقات و افسار گوناگونی درآید که هرکدام از آنها بنحوی سناق طبقاتی خود را با وجود حکومت فعلی از دست رفته ارزیابی می‌کنند. زیرا هر طبقه یا قشر اجتماعی بسته به ماهیت نظام اقتصادی حاکم و نسبت به روابط تولیدی آن دارای موقعیت معینی میشود که با متضمن منافع طبقه و قشر مذکور است و با هر عکس امکان کسب و حفظ منافع شخصی را از میان می‌برد. منافع و مطالبات طبقات متضاد اجتماعی از نظر ماهیت حتی در کلی توین موارد نیز با یکدیگر همخوانی ندارد. بورژوازی تنها بسود بیشتر می‌اندیشد و از اینرو بدنبال تأمین آن شرایطی است که به ساده‌تر و کم خرج‌تر کردن بهره‌کشی بیانجامد. مطالبات این طبقه در چهارچوب نظام سرمایه‌داری قرار داشته و با حفظ اساس و پایه‌های این بناسبات است که متحقق میشوند. رشته‌هایی که این طبقه را به نظم و قانونیت حاکمیت برآمده پیوند می‌دهد، بسیار محکمتر و جدی‌تر از هر ایده‌ی بظاهر دمکراتیک سدرسی و آزادیخواهانه بورژوازی است. مخالفت ایشان با قدرت حاکمه به هیچ وجه بنیانهای اقتدار نظام سرمایه‌داری را تهدید نمی‌کند. بنیانهایی که بطور اجتناب ناپذیر عامل و پدید آورنده جنبش سرکوب، خفقان، فقر، بیگاری، تورم، گرانسوی و سی‌باشند. دمکراسی دروغینی که بورژوازی مسلط و مدافع آن است ناظر به شرکت آنها در هیئت حاکمه و میراث خواهی گنجی است که از غارت کارگران و زحمتکشان حاصل شده و میشود. آنچه که در این میان برای این دمکراسی ابدا قابل توجه نیست همانا زنجیرهایی می‌باشد که به دست و پای توده‌ها پیچیده شده تا آنان را به مسلخ ببرد.

بورژوازی خود را به هزار یک فلم آرایشی و بزلک می‌کند. به هزار رنگ در می‌آید تا چهره اصلی خود را بنهان نگاهدارد و در پس الفاظ و سخن پراکنشهای زرق و برق‌دار را جمع به فواید دمکراسی و مناسبات دیکتاتوری، جنبش توده‌ها را متوقف، و خود به سازش و چیک و چانه زدن با حکومت بپردازد. در شرایط فقدان اپوزیسیون انقلابی این بورژوازی است که مانور می‌دهد، جنبش را به اختیار خود می‌گیرد توده‌ها را نسبت به آمال و اهداف خویش متوهم می‌سازد و از موج اعتراض آنان به سود تحکیم روابط و مناسبات غیر عادلانه خود استفاده میکند. اما زمانی که مطالبات توده‌ها ما به آزادی مادی خود در صحنه سیاسی تشکل‌های انقلابی و مترقی را بیافریند و گام به گام سیر جنبش را برگشت ناپذیر تر و اهداف آنرا قطعی تر سازد، بورژوازی نقاب آزادیخواهی را بسوی افکنده و در هراس از مطالبات روز افزون کارگران و زحمتکشان که موجودیت نظام سرمایه‌داری و اساس بهره‌کشی را به مخاطره می‌اندازد، به هیئت حاکمه - و گاه در صورت جناح بندیهای دزدونی آن - به ارتجاعی ترین جناح روی می‌آورد و مصراغه خواستار سرکوب جنبش برای حفظ نظام می‌گردد. در چنین شرایطی سرخوش چریک‌ساز بورژوازی همچون غربقی است که در مرداب افتاده

ضد انقلاب مغلوب در هراس از رشد مبارزه مسلحانه

و مبارزه‌ی آن به تحکیم سلطه نظام سرمایه‌داری بیانجامد، مقاومتی که نقش واسطه و دلال میان کارگران و زحمتکشان و رژیم خمینی را بازی نمی‌کند طبیعی است که با خشم و نفرت عمال اطو کشیده امپریالیسم و ارتجاع جهانی روبرو میشود. اما از آنجاییکه گویا این عالیجنابان [اپوزیسیون " حضرت امام " هستند و بطور تشریفاتی هم که شده می‌باید مستقیماً از جانب‌داری رژیم خمینی بپرهیز کنند، بنا براین تمام وزن تبلیغات خود علیه مقاومت انقلابی و مبارزه مسلحانه را روی مشامینی متمرکز می‌سازند که در عین اشتراک عملی با تبلیغات رژیم خمینی عناصری ویژه از بافت ایدئولوژیک - سیاسی خویش را نیز به همراه داشته باشد. تاکید بر مفاهیمی همچون " تجزیه طلبی " ضمن اینکه تجلی خصلت تاریخی ضد انقلاب سلطنت طلب یعنی شویدیسم افراطی است، ضمناً نشان دهنده پیوند اجتناب ناپذیری است که در مقاطع حساس میان جناح‌های مختلف سرمایه‌داری برقرار میشود. بنابراین هیچ جای تعجبی وجود ندارد هنگامیکه ضد انقلاب وحشت زده قصد دارد برای مبارزه انقلابی و مسلحانه وقت و شرایط تعیین کند، بعنوان استناد به یک فاکت تاریخی، انگشت اشاره خود را بطرف خمینی می‌گیرد و می‌گوید: " خمینی نیز قبل از آماده شدن جو هرگز دستور نبرد مسلحانه علیه شاه را صادر نکرد در حالیکه سازمانهای انقلابی تازه به دوران رسیده در آن هنگام دامنه‌ی از عشق نشردن ماشه و چه گوآرا شدن دیوانه می‌شدند خمینی چلویشان را می‌گرفت " (همان جا)

انصافاً بهتر از این ضد انقلاب مغلوب نمیتوانست تقدیر و سیاس خود از خمینی بخاطر مبار جنبش انقلابی سال ۵۷ را اظهار نمایند. آری انقلاب بهمین به این دلیل ناکام ماند و به ثمر نرسید که رهبری آنرا خمینی دزدید. وی نیز همچون هم مسلکان سلطنت طلب خود، جنبش توده‌ای را تنها هنگامی به رسمیت می‌شمرد که به مثابه نردبانی

گسترش یابی عمومی است نمیتواند موجب خشم و کینه‌ی بورژوازی که جنبش را از آن " خسواس " میدانند و شرکت فعال و موثر خلق را جز بصورت ابزار اعمال اراده خود نمی‌پذیرد، نشود. این بار ضد انقلاب مغلوب به میدان می‌آید و با آسمان ریسمان بافتن تلاش میکند تا ثابت نماید که نقشه سازماندهی مسلح توده‌ها با مقتضیات جامعه‌ی ایران همخوانی ندارد. کیهان سلطنت طلب در شماره ۲۶ اسفند با درج تصدیق " به مقاله در صفحه هفتم خود به تشریح این نظر می‌پردازد. مقاله اول با نام " در ایران کسی نمیتواند ادای فیدل کاسترو را درآورد " به عدم کارایی مبارزه مسلحانه اختصام دارد. مطلب دوم " اپوزیسیون الترناتیو نیست " به تشریح راه حلینای ضد انقلاب سلطنت طلب می‌پردازد و آخرین مقاله بنام " دشمن شناسی " [تحلیل روانشناسانه] [مرتکبین به مبارزه مسلحانه را در خود جای داده که بیشتر از آنکه بک مطلب جدی باشد، بیان هذیانهای مالبخولیبایی ضد انقلاب مغلوب است، و بدان نمی‌پردازیم. اکنون به قسمتی از مقاله‌ی اول توجه کنید:

" در فضای کنونی جامعه ایران چپی‌ها کمتر از دیگران شناسی برای شناخته شدن و رشد کردن دارند. طرز فکر چپی برای توده اصلی جامعه ناشناخته مانده است و تبلیغات منفی علیه آنها جریان دارد. بنابراین این آنها نیز باید شناس خود را در سایه یک نظام دمکراسی غربی بیابانند و گرنه سالها ایجاد آشوب در کردستان و بلوچستان بجز ویرانی ثمر دیگری ببار نخواهد آورد و جز ایران هم اجازه نمیدهد کسی ادای فیدل کاسترو را در بیاورد. برای بیش از ۹۰ درصد توده مردم که هوادار گروه سیاسی خاصی نیستند این آشوب‌ها معنایی جز تلاش برای تجزیه خاله کشور ندارد و این برای هیچ ایرانی که از دیرباز خون وطن پرستی در رگهایش می‌جوشد قابل تحمل نیست. " (کیهان سلطنت طلب - شماره ۲۶ اسفند ۶۶ - مقاله در ایران کسی نمیتواند ادای فیدل کاسترو را درآورد) اگر از لحن و کالت مایانه‌ی ضد انقلاب مغلوب

ضد انقلاب مغلوب در هراس از رشد مبارزه مسلحانه

قدرتیابی اش عمل کند ، خمینی هم مبارزه‌ی مستقل کارگران و زحمتکشان را که همگام با روند فروپاشی رژیم شاه به مراحل عالیتری ارتقا می‌یافت، تهدیدی جدی برای تمامیت نظام سرمایه‌داری ارزیابی کرد. توده‌ها فریاد می‌زدند: "رهبران ما را مسلح کنید" و خمینی هراسان ، هر چه بیشتر به سازش با امپریالیست‌ها درمی‌غلطید . نقشه‌های ضد خلقی وی و مشاوران امریکایی اش در روزهای حساس و تاریخی بیمن ماه که از بالای سر انقلاب جریان داشت منجر به تصرف قدرت دولتی از جانب او گردید . اما از بد حادثه برای ضد انقلاب مغلوب تاریخ فریبکاری ، توهّم پراکنی و سرآخ از امواج طغیان توده‌ها سواری گرفتن با اولین غرش سلاحهای ما به انتها رسیده و سیری شده است . مقاومت انقلابی هر چه بیشتر پایه‌های مادی سیاستهای خود را در میان کارگران و زحمتکشان قرار خواهد داد و راه سرنگونی رژیم خمینی را در امتداد جلب موثر و جدی این طبقات به انقلاب دنبال خواهد کرد . اگر مبارزه‌ی مسلحانه‌ی به زعم ضد انقلاب سلطنت طلب بخاطر آن " تجزیه طلبی " است که " ادای فیدل کاسترو " را در می‌آورد بگذار چنین باشد . زیرا ما نیز همچون خلق کوبا قصد آنرا داریم که مترجمین و مزدوران امپریالیسم را از صحنه‌ی اجتماعی ایران چارو کرده و بنسای کشوری آزاد ، دموکراتیک و مستقل را پی افکنیم . حال باید دید که راه حل ضد انقلاب مغلوب برای سرنگونی رژیم خمینی از چه کانالی عبور میکند و به چه وسایلی دست می‌یازد :

" هر گونه تغییر و تحولی در ایران امروز بستگی تام به آمادگی جو حاکم بر مردم دارد و نیازی به جنگ مسلحانه طولانی و سالها خونریزی نیست . مخالفین اگر بتوانند با شیوه‌های مناسب و استفاده از موقعیت ها آن جو لازم برای قیام علیه حکومت را بوجود بیاورند به سادگی موفق به براندازی رژیم خواهند شد " (همانجا)

براستی این کدام امامزاده شفا بخشی است که مراد دل ضد انقلاب سلطنت طلب یعنی تصرف قدرت را " بدون نیاز به جنگ مسلحانه " و " به سادگی " برآورده کرده و " جو لازم " را برای او بوجسود می‌آورد ؟ پاسخ این سوال را نیز خود مطلب فوق الذکر " به سادگی " در اختیار مشتاقان شنیدن آن قرار می‌دهد ، توجه کنید :

" به مبارزت دیگر کار را از جاش که حزب تسوده تمام کرده بود باید آغاز کرد بدون آنکه اشخاص پشت پرده وجود حقیقی خود را نشان بدهند و این رژیم آتش شله قلمکاری است که قسمت های خوردنی فراوان دارد فقط باید از آنها زنگنه تر و موقع شناس تر بسود تا بتوان روز موعود آنان را سرنگون کرد " ! (همانجا) واقعا باید به چنین نقشه‌ی دقیق و بدیعی دست بریزاد گفت " اشخاص پشت پرده " بین آخوندهای رقیب آتش نفاق را روشن میکنند ، از برنده‌ها امتیاز می‌گیرند ، سپس به درون " دستگاه دولتی و سپاه پاسداران " رسوخ کرده و سرآخ در " یکی از روزهای پر تشنگ " کار رژیم خمینی را تمام می‌کنند !؟

صرف نظر از مضحك بودن چنین اظهارات سخفیی که تنها میتواند به مغز عمیل ضد انقلاب مغلوب ظهور کند و طبعاً جاش را هم برای پاسخگویی باقی نمی‌گذارد ، اما اذعان به تعقیب سیاست حزب تسوده و با به عبارت بهتر همان استراتژی " تسخیر دژ از درون " ! که در عمل این حزب را به ابزار و آلست دست رژیم خمینی مبدل ساخت ، ماهیت " سرنگونی " مورد نظر سلطنت طلبیان را عریان می‌سازد .

" آتش شله قلمکاری " که اینچنین آنان را به اشتها آورده در حقیقت سرمایه‌ای است که از غارت و استثمار کارگران و زحمتکشان و به بهای فقر و فلاکت میلیونها تن فراهم گشته است . تمام آنچه که ضد انقلاب در پس سخن پراکنیهای خود راجع به " براندازی " و " سرنگونی " در تلاش تا همین آن است بهست آوردن بخشی از " قسمت های خوردنی " این سرمایه می‌باشد و لاغیر . برای تحقق چنین رویایی آنان حتی دست ابلیس را هم خواهند فشرد چه رسد به رژیم خمینی که با خدمت گرفتن اشغال فردوسیت مدنی ، ظهیر نژاد ، قربانیفر و بسیاری از ساواکی های ریز و درشت ، حسن نیت خود را نسبت به متخمصمین بورژوازی نشان داده است .

دیدگاههای ضد انقلاب سلطنت طلب آن هنگام که قدم میکند جدی تر به قضایا برخورد کرده و برای روز مبادا هم که شده با لخره تدبیری بسوی " سرنگونی " بیاندیشد ، از کمدی " اشخاص پشت پرده " نیز جالبتر میشود چرا که به ناچار صریحا مشخص میکند که شیوه و چگونگی این امر کدام است مطلبی بنام " اپوزیسیون الثرناسیون نیست " مندرج در همان شماره کیهان سلطنت طلب بشکل تقریبا واضحا به سوالات بالا پاسخ می‌گوید :

" در حالی که نیروهای ملی و مشروطه خواهان و رهبران اپوزیسیون و بخصوص رهبر ناسیونالیسم ایران در انتظار کسکه رهایی بخش جهان هستند این را باید بدانند که جهان غرب به تنهایی به براندازی این رژیم برخواید خاست . غرب برای سازش با رژیم اسلامی آمادگی بیشتری دارد تا با یک اپوزیسیون چند پاره و پراکنده " .

بنابراین به عقیده نویسنده می‌باید سلطنت طلبان بنای یک " اپوزیسیون واقعی " با تشکیلات صحیح " را پی ریزی نموده و بر " پراکندگیهای " خود فائق آیند . البته نه برای امر " سرنگونی " بلکه بمنظور در قالب مورد پسند " غرب " قرار گرفتن و این سرچشمه کلیه سیاستهای بورژوازی محسوب میشود چرا که وابستگی به امپریالیسم جهانی جزء لاینفک و تجزیه ناپذیر آنان است و کلیه راه حل هایشان در حیطه مسائل جامعه از این کانال می‌گذرد . این است مواضع " ناسیونالیستی " ! کسانی که " خون وطن پرستی در رگهایشان می‌جوشد " و جنبش انقلابی مسلحانه را " آلت ایذایی در دست صدام حسین " قلمداد میکنند .

اکنون میتوان دریافت که دشمنی ضد انقلاب سلطنت طلب با مقاومت و مبارزه مسلحانه به واضح ترین شکل ریشه در مبارزه طبقاتی درون جامعه دارد . آنان با تمام توان در صدد محدود ساختن جنبش هستند ، نقشه‌ی بند و بست با رژیم خمینی را طرح می‌کنند و مجدانه در صدد گرفتن " چراغ سبز " از

امپریالیست‌ها بر می‌آیند . چرا که جنبش مستقل خلق بخصوص هنگامی که بشاهنگ آنها خط تسلیم توده‌ای را پیش می‌برد ، منافع حیاتی سرمایه داری را بخاطر خواهد افکند و این گناهی است که بورژوازی هرگز آنرا نخواهد بخشید . مقاومت سیاستهای خود را بر پایه و به اتکا ، توده‌ی وسیع خلق اتخاذ می‌کند زیرا به این حقیقت اعتقاد دارد که بدون شرکت فعالانه‌ی آنان اصولا انقلاب نخواهد توانست به آماجهای اساسی خود دست یابد و مبارزه‌ی مسلحانه آن تاکتیک محوری است که در صدد اهداف خود تحقق چنین امری را مورد توجه قرار می‌دهد . اما ضد انقلاب سلطنت طلب خط مشی خود را از فراز سر توده‌ها ، در خفا و دور از چشمان آنان به پیش می‌برد و اشکال مبارزاتی شان را تنها بمشابه ابزار اعمال فشار بر حکومت و باز کردن منافذ تنفسی برای خود محسوب میکند .

کارگران و زحمتکشان خواستار پیشرفت جنبش تعمیق اهداف آن و سرانجام برگشت ناپذیر شدن ایده‌های متحقق شده هستند . ضد انقلاب سلطنت طلب اما تمام خواسته‌هایش تحقق یک حاکمیت سرزور امپریالیسم و ارتجاع جهانی است . در یک کلام آن خط و سرزی که ضد انقلاب مغلوب را از مقاومت انقلابی متمایز می‌سازد ، مهر منافع طبقات متضاد اجتماعی را بر پیشانی خود حک کرده و بر بنیادهای ترین تضادهای طبقاتی ترمیم گشته است . کلیه سیاستها و تبلیغات ضد انقلابی سلطنت طلبان انعکاس مطالبات طبقه‌ی میرنده و رو به زوال بورژوازی وابسته‌ای است که در مصاف با جنبش انقلابی روز بروز ماهیت خود را آشکارتر می‌سازد و نشان می‌دهد که در پس پرده‌های عوامفریبی سودای چه چیزی را در سر دارد .

ارتقا . روز افزون نبرد مسلحانه در حقیقت صدای گام های استوار کارگران و زحمتکشان ، این نیروهای بالنده و رو به تکامل را در گوشه‌های حساس بورژوازی طنین انداز کرده است و از این رو آنان صف مقدم ستیز طبقاتی خود بمنظور حفظ روابط ناپرابر را علیه مقاومت انقلابی و مبارزه‌ی مسلحانه آرایش داده اند . تاکتیک محوری شورای ملی مقاومت یعنی مبارزه مسلحانه و همچنین خود آن با وجود چنین قطب بندی صریح ، بی پرده و عریان نه تنها به معیار اصلی تعیین جایگاه خلق و ضد خلق بدل شده‌اند بلکه در پروسه‌ی خود و در رابطه با واقعیت مبارزه طبقاتی تاثیر عمده‌ای بر جریانات و گروه های " بطرف " و منفعل کنونی خواهد گذاشت . آنان را نیز در سرنوشت خفت بار بازماندگان شاه و رژیم خمینی شریک خواهد گردانید .

متصور امن
فروردین ۶۷

توضیح و پوش

در شماره ۴۶ نبرد خلق ، نام حاج احمد باقری از فرماندهان مزدور و جنایتکار سپاه را جزو اسامی کشته شدگان در جنگ درج کرده بودیم . در حالی که به گزارش اعلام شده سازمان مجاهدین خلق ایران این مزدور جنایتکار توسط رزمندگان یک هفته مقاومت مجاهد خلق اقدام انقلابی شده است .



مسائل نیکاراگوئه

توضیح: متن زیر ترجمه مصاحبه سه تن از خبرنگاران اروپایی (لوموند پاریس، ال پائیس مادرید و لبرسومیلان) با هوسبرت اورنگا وزیر دفاع نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۴ می‌باشد.

این متن از کتاب "منطق سلاح" که کلا شامل مصاحبه خبرنگاران فوق با سه تن از رهبران نیکاراگوئه و ممبرانک و وزیر دفاع، با بارداورچه و پائیس و مبلو و وزیر کشاورزی می‌باشد، انتخاب و توسط یکی از رفقای سازمان ترجمه گردیده است. نبرد خلق به منظور آشنا نمودن خوانندگان خود در زمینه دیدگاههای رهبران نیکاراگوئه در مورد مسائل مختلف به تدریج اقدام به چاپ این ترجمه می‌نماید.

منطق سلاح (۳)

س: و به لحاظ سیاسی چه بهایی در این رابطه برداختید؟
ج: بهایی که در مقابل موفقیت های استراتژیک آن کاملاً بی ارزش است.
س: چرا تا کنون برخورد های نظامی مستقیم به شما کمتر اعمداً از جانب میانشیا بوده؟
ج: ارتش ما از سه بخش تشکیل شده: نیروهای منظم نیروهای ذخیره و میلیشیا مردمی ساندینیستی. دسته آخری در همه جا حضور دارند، در کارخانه ها و محله ها و... باند های گمنام ترخیص می‌دهند که به اهداف نظامی حمله نکنند، از این جهت ابتدا با میلیشیا برخورد می‌کنند. اما بزرگترین ضربات کسی که تا کنون خورده اند از جانب نیروهای منظم بوده که از طرف دو فرمانده نظامی دیگر پشتیبانی می‌شده. س: چه مشکلاتی در راه تبدیل یک ارتش چریکی به یک ارتش منظم وجود دارد؟
ج: گاهی اوقات می‌گیرند که کسب قدرت از نگهداری آن ساده تر است. اما من فکر می‌کنم که هر دوی اینها بسیار پیچیده است. تبدیل یک ارتش چریکی به یک ارتش منظم، با انضام و تحت قوانین نظامی در آمدن، اوائل برای ما مشکلاتی در برداشت کسب آنکس آنها را پشت سر گذاشته ایم و به لحاظ استراتژیک در حال حاضر من احساس بهتری از پیش دارم. ما قبلاً نه هلی کوپتر داشتیم، نه تانک و نه هیچ چیز هزاران سلاخی که امروز در اختیار داریم. در حال حاضر ما از شرایط بهتری برای جنگ بر علیه امریکاشیا برخورداریم. مبارزه همان مبارزه است، اما شرایط مناسب ترند.
س: پس آیا یک ارتش خلق می‌تواند ضروریات مسلح ارتش منظم را برآورده کند؟ فی المثل در چین از آن منصرف شده اند.
ج: درست است. به همین جهت ما سه بخش نامیده را با هم ترکیب کردیم. ارتش حرفه ای که به میلیشیا یک طرح منظم نظامی بنا شده، مرکز نقل ماشین های دفاعی است. اما در برابر یک تجاوز مانند امریکا-شما، استراتژی جنگ نامنظمی را در برابر خویش خواهد داشت که خلق سازمان یافته در ذخیره و در میلیشیا را نیز در بر خواهد گرفت.
س: راه درمان دکترین نظامی شما چه کسانی بودند؟
ج: در این زمینه تجارب مهم ساندینو راه های ما بود. البته بدیهی است که ما مبارزات خلق های دیگر را هم مطالعه کردیم. من تجربیات خلق های کوبا، ویتنام، الجزایر و گره را در حین جنگ آزادی بخش بطور اساسی مطالعه کردم.
س: اینترناسیونالیسم برای شما چه مفهومی دارد و در

صورت مداخله امریکا، چه انتظاری از کوبا دارید؟
ج: انقلابیون سرزمین های دیگر باید توان درک این مسئله را داشته باشند که اینترناسیونالیسم ما اساساً بر این مبنا استوار گشته که انقلاب نیکاراگوئه را در مسیر صحیح حفظ کنیم و در برابر توطئه های امریکالیسم به مقابله برخیزیم. و به میزانی که انقلاب نیکاراگوئه تثبیت میشود، ما سهم خود را نسبت به انقلابات دیگر ادا کرده ایم. ما توان آنرا نداریم که با روش های دیگری از ایشان حمایت کنیم ما هم تا بحال نه انتظار داشته ایم که یک نیروی خارجی به کمک ما بشتابد و نه اصولاً نقشه ای دفاعی ما بر این مبنا بنیان گذاشته شده. ما فکر می‌کنیم تنها باید زندگی خودمان را برای مبارزه مان فدا کنیم. چرا که تصمیم گرفته ایم تا پای مرگ با امریکاشیا بجنگیم. در این مورد فیدل کاسترو هم در رابطه با کوبا اشاره کرد.

اگر قرار باشد نیکاراگوئه در موقعیتی نباشد که بتواند بر علیه امریکاشیا مقاومت کند و توطئه ها شان را در هم بشکند، اول از همه ما مسئول عدم وجود اینترناسیونالیسم هستیم.

اگر ما مقاومت کنیم، پیروز خواهیم شد، سه واسطه مقاومت مسلحانمان و همچنین حکومت بین المللی و ایزوله کردن متجاوز. از عوامل خارجی ما بیشتر به حمایت های سیاسی و اخلاقی اهمیت می‌دهیم تا به حمایت های نظامی.

س: بعد از دخالت ایالات متحده در گرانداه عده ای از کوباشیا و السالدوری ها نیکاراگوئه را ترک کردند. بعضی ها این را بعنوان تاثیر فشار های امریکا تلقی کردند.

ج: نیکاراگوئه تا کنون از هیچ خارجی درخواست نکرده و کسی را اجبار نکرده که کشور را ترک کند. همچنین از تعیینیان امریکای مرکزی و نمایندگان سازمانهای سیاسی.

آنچه که اینجا بوقوع پیوست، آمانه سازی زمینها برای مقابله با مداخله امریکا بود و در این حین عده ای از خارجی ها صلاح دیدند، کشور را ترک کنند. و با کوبا ما هنوز هم همسرتگی و همکاری برادرانه داریم و اگر عده ای از معلمین کوباشی به کشورشان بازگشتند بر اساس طرح های دوجانبه ای بود که از قبل راجعه شده بود.

س: آیا نیکاراگوئه از انقلاب السالدور حمایت میکند؟

ج: ما آنها را بوسیله وجود و حضور خودمان حمایت می‌کنیم، بوسیله دفاع از خودشان در برابر امریکا. تنها این مهمترین حمایتی است که ما می‌توانیم به خلق های دیگر تقدیم کنیم. مشکل در اینجا نیست که ما به آنها سلاح می‌دهیم. ایالات متحده هم برای ارتش السالدور سلاح ارسال میکند و با وجود این، ارتش السالدور با شدیدی است. در این میانه سلاح تعیین کننده نیست، بلکه تعیین کننده خلق هایی هستند که توسط پیشاهنگانان هدایت میشوند. س: شما یکبار در اکتوبر ۱۹۷۹ گفتید: انقلابیون یاد می‌گیرند، اما دشمنان هم یاد می‌گیرند. "اشاره کردید که مطمئن نیستید که در کوتاه مدت پیروزی دیگری در کشورهای دیگر امریکای مرکزی وجود داشته باشد. اکنون پنج سال بعد از آن در این رابطه چه فکر می‌کنید؟

ج: من همانجا نیز اشاره کردم که شاید قربانیانی که خلق های دیگر باید برای آزادیشان بدهند، می‌تواند بسیار بیشتر از ما باشد. نمی‌توان گفت که در کوتاه مدت انقلاب السالدور پیروز خواهد شد، اما آنها عملاً به پیروزی نزدیکند و تنها چیزی که می‌تواند مبارزه را به درازا بکشد، دخالت ایالات متحده است.

س: مشکلاتی را که انقلاب نیکاراگوئه برای ایالات متحده فراهم میکند، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: بطور کلی یک تحول انقلابی مانند نیکاراگوئاسا که از یک سیاست منبقل امریکای لاتینی به سروری می‌کند، ضربه سختی است به سلطه ایلی ایالات متحده که این قاره را در طرحهایش برای حاکمیت جهانی، همواره بعنوان منطقه امن مورد نظر داشته ما نشان دادیم که بر خلاف این استراتژی امریکا-لیستی، در امریکای لاتین امکان تحول است و این دشمن استراتژیک بسیار بالایی دارد. چرا که راه را برای کشورهای دیگر که در قاره امریکا در پی چنین تحولی هستند و خواهان آنند که در سطح برابر با ایالات متحده باشند، می‌گشاید.

س: اما نطق های ریگان با گزارش تحقیقات کمپبوزن کپیچنجر از کمیدیات شخصی حمایت می‌کنند. ج: ایالات متحده، امریکای مرکزی و ملی مخصوص نیکاراگوئه را بطور تاریخی بعنوان اصحاب زندگیش مورد نظر داشته. در اواسط قرن گذشته برای ایشان هنوز آسانتر بود که گالاهایشان را از طریق دریای نیکاراگوئه و ریوسان یوان حمل کنند، بجای اینکه

از مناطق امریکای شمالی استفاده کنند. اما این روش بواسطه پیشرفت های علمی و تکنیکی تقریباً به فراموشی سپرده شده، ولی کانال پاناما هنوز هم از اهمیت استراتژیکی برخوردار است. و بخش بزرگی از محموله های امریکایی از طریق پاسفیک و کارائیب به مقصد می‌روند. نیکاراگوئه در خلال کشورهای دیگر امریکای مرکزی، سواحل وسیعی بر هر دو دنیا دارد، آنچه امریکاشیا را پریشان میکند اینست که در کشور ما می‌توان پایگاه های نظامی برای اتحاد شوروی و یا بنادری برای تدارک ناوگان شان بنا کرد.

س: می‌توانید بگوئید که، دولت ساندینیستی، در رابطه با موضوع فوق الذکر حاضر به دستیابی به چه توافقاتی با ایالات متحده می‌باشد؟

ج: نیکاراگوئه روشن کرده است که مسئله اساسی این است که امریکا باید یک چهارچوب امنیتی را تضمین کند که در آن ما بتوانیم انقلاب را زنده نگاه داریم، بدون اینکه بخواهیم از تحولاتی که در این پنج سال اخیر انجام شده چشم پوشیم.

س: به همان میزانی که ایالات متحده تصمیم بگیرد با ما در مسالمت زندگی کند ما هم آماده ایم که سه نیازهای آنها توجه کنیم و در رابطه با مطالبی همانند پایگاه های نظامی با ایشان صحبت کنیم.

س: ما نمی‌توانیم از آنچه که در این پنج سال بنا کرده ایم چشم پوشیم، اما از حالا می‌توانیم در چهار چوب یک توافق دو جانبه با ایالات متحده قهرار بگیریم و در این رابطه حاضریم کلیه مسائلی را که در منطقه امریکای مرکزی مستقیماً به تقابل شرق و غرب مربوط میشود، مورد مذاکره قرار دهیم.

س: این بدان معناست که حاضرید حتی در رابطه با منع برپایی پایگاه های نظامی شوروی هم توافق کنید؟

ج: بله ما می‌توانیم به توافق برسیم که پایگاه های نظامی مشترک نباشند و با حتی فی المثل مانور های نظامی مشترک انجام ندهیم و... الخ

س: در مورد مشاورین نظامی چگونه؟

ج: در صورتی که کلیه مشاورین نظامی امریکای مرکزی را ترک کنند، ما هم حاضریم مشاورین نظامیمان را برگردانیم. حتما همین فردا، اگر امریکاشیا این را بخواهند البته موضوع بر سر کاستن تعدادشان نیست بلکه بر فرستادن همه شان است.

س: اما مسئله هوایماها هنوز وجود دارد؟

ج: نیکاراگوئه بعنوان یک کشور مستقل از حقوق داشتن ارتش برخوردار است و هر ارتش مدرنی هم سلاح های هوایی مخصوص به خود را دارد. از اینها ما نمی‌توانیم چشم پوشیم و این اساساً موضوعی برای مذاکره نخواهد بود. شنود اس را هم می‌توان مثال زد، ما هوایماهایش، ایالات متحده می‌خواهد ماهانه مسئله میگه را به مثابه شکلی از تسووع سلاح های دوربرد در سال ۱۹۶۲ در کوبا نشان بدهد و این قابل تحمل نیست. این صرفاً پهنانه ای است برای مداخله در نیکاراگوئه. بهر صورت اگر شوروی سلاح های دوربرد در اینجا مستقر می‌کرد بهتر می‌توانستیم وارد بحث بشویم.

س: آنچه که امریکا می‌تواند عنوان کند، اینست که میگه ای مدرن می‌تواند کانال پاناما را که از اهمیت استراتژیک برای امریکا برخوردار است

مورد حمله قرار دهد؟

ج: اما این واقعیت ندارد، آنها انواع مختلف وسایل دفاعی را در آنجا دارند. برای حمله به کانال حداکثر پشتیبانی از جانب ناوگان ضروری است و چنین چیزی برای ما غیر ممکن است. میگای ما فقط برای اهداف دفاعی است و موضوع کانال فقط یک دروغ است. حتی اگر یک هوایما هم بتواند خود را به کانال برساند، کانال با یک بمب ویران نمیشود. این چندان ساده نیست و فقط از طریق یک عملیات بسیار بزرگتر می‌تواند عملی شود. ما هم چندین احمق نیستیم که هوایماهایمان را برای انداختن بمب بر فراز کانال به پرواز درآوریم، صرفاً به این دلیل که ریگان چیزهایی می‌گوید که ما خوششان نمی‌آید.

س: از "سان جوان دل سور" هم بعنوان یکی از بنادار احتمالی برای ناوگان ماهیگیری اتحاد شوروی صحبت شده که بعضی ها مستقند علاوه بر ماهیگیری فعالیت های دیگری در اینجا صورت می‌گیرد. این مطلب نمی‌تواند موضوعی باشد که در یک مذاکره همه جانبه با امریکا مورد بررسی قرار بگیرد؟

ج: این یک مسئله دراز مدت است، چرا که بنسای محیطی برای مراقبت از ناوها در چنین بنسای دور افتاده ای نیاز به وقت دارد. اگر مسئله صرفاً یک بنای غیر نظامی باشد، من درک نمی‌کنم چرا باید در این رابطه با امریکاشیا مذاکره کنیم. اما

در حاشیه پورچه سال ۶۷

از صفحه ۱

دیگر در برنامه‌های دولت قرار دارد"
(کمپان ۱۰ / دی ۶۶)

جدا از این ادعای رژیم در امر موشک‌سازی کسه لاف زنی بیش نیست، باید در این حرف اوج خوبی جنگ طلبی رژیم را فهمید. نگاهی اجمالی تر صحت سخنان ما را ثابت می‌کند. موسوی با افتخار بانگ بر می‌آورد: " اینجانب باید به اطلاع ملت و نمایندگان ملت اسلامی برسانم که خط کلی حاکم بر این برنامه ها همان خطی است که رهبر بزرگ انقلاب ترسیم کرده‌اند، خط مقاومت تا آخرین خانه، آخرین نفر، آخرین قطره خون ۰۰۰ موسوی خائن در ادامه می‌گوید: " دولت هنگام و همراه با است " شهید پرور " در چهارچوب این طرح کوشید بیش از پیش به تامین نیازهای جنگ بپردازد. بدجوی که میتوان به جرات و با افتخار ادعا نمود که جای پای جنگ را در تمامی تصمیمات دولت میتوان مشاهده کرد. کمپان رژیم ۶ / دی ۶۶) از مجموعه گفته‌هایی که از زبان موسوی ذکر شد بروشنی میتوان بقول همین مزدور " خط حاکم " بر این بودجه را ترسیم کرد. رژیم کسه می‌داند هستی او در جنگ و جبهه است هر چه بیشتر سعی دارد تمام امکانات را بشکلی وسیعتر در خدمت جنگ قرار دهد. موسوی در قسمتی از سخنان خود می‌گوید: ۰۰۰ تخصیص حدود ۴۱ درصد از کل هزینه‌های بودجه عمومی و بالغ بر ۵۲ درصد از کل اعتبارات جاری دولت به امور نظامی و انتظامی در سال جاری بیانگر بخشی از ارزش و اهمیتی است که دولتست برای جنگ به عنوان مسئله اصلی کشور قائل است. در این راستا میتوان به اختصاص ۲۵ میلیارد ریال به منظور اجرای طرحهای مهندسی - صنعتی جنگ ۱۲ میلیارد ریال به طرحهای پدافند غیر عامل و ۵۰ میلیارد ریال برای پناهگاه سازی بعنوان مثال اشاره نمود (همانجا)

موسوی در اوج وقاحت اضافه می‌کند: " همچنین در سالجاری بیش از حدها پروژه تحقیقاتی جنگی و دفاعی توسط اساتید دانشجویان و جهادهای دانشگاهی سراسر کشور اجرا شد و با در دست اجرا قرار دارد. (همانجا)

واقعیت اینست که رژیم خمینی نه تنها قصد دارد تا آخرین خانه و آخرین نفر جنگ را ادامه دهد بلکه همچنین سعی دارد که قوت لایموت مردم محروم ایران را نیز بریده و در جلوه جنگ ضد میهنی‌اش بریزد. اما از همه این مسائل که بگفیم، رژیم با وجود این همه خوی جنگ طلبی، با یک اقتصاد ورشکسته به عمر ننگین خود ادامه می‌دهد. اینکسه موسوی بهنگام دادن لایحه به مجلس می‌گوید ۱۰۰۰ این بدان معناست که اقتصاد بیدار و به ارث مانده کشور تاگزیر باید داروی تلخ بنوشد. (همانجا) بیادنگیر اینست که رژیم درین پافشاری بر ادامه جنگ، تحت فشار زیادی قرار دارد. رژیم که دیگر نمیتواند در امر فعالیتهای عمرانی، بهداشتی، رفاهی توده‌ها کاری انجام دهد، علاوه بر این همه بدبختی و رنج و شکنجی که برای ملت در زنجیر ایران آفریده قسمت زیادی از این بودجه را نیز از خود مردم چپاول می‌کند یعنی



اول ماه مه روز جهانی کارگران

گرامی باد

کارگران و رحمتگان ایران :

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران . پیرو برنامه (هویت) . بر اساس مباحثات ایدئولوژیک و سیاسی خود معتقد است که پیروزی شما تنها به دست خودتان مقدور است . ما معتقدیم رهایی شما کارگران ایران . از طریق مبارزه فاعل برای سرنگونی این رژیم سخی ملع و آزادی و سپس در ادامه غیر منقطع این مبارزه برای رهایی اجتماعی و جامعه سوسیالیستی است . ما از شما دعوت میکنیم که :

- از شورای ملی مقاومت و نیروهای مقاومت حمایت کنید .
- در مبارزه عمومی و همگانی برای نابودی جنگ و سرنگونی رژیم خمینی و استقرار صلح و آزادی با ایجاد هستهها ، کمیتهها ، انجمنها و کارونهای ملی مقاومت و پیوسته با نیروهای رزمده مقاومت ادامه دهید .
- برای تضمین مبارزه غیرمانعانه خود و برای حفظ دستاوردهای مبارزاتی خود صلح و متفکر شوید . قدرت شما در نیروی شماست . شما پیروز میشوید . انقلاب ایران پیروز میشود . صلح و آزادی ، استقلال و دموکراسی ، اولین سنگ رهایی است شما و رهایی اجتماعی را برای بشریت توبه میدهید .
- بروزی مردم همای ملی انتشار و استقرار جامعه سوسیالیستی نوشته است . شما پیشگامان رهایی در این جنبش هستید با کامیابی اشوار . با دستهای قدرتمند . با جشامی روشن و تیر بین و لژی قویتر . به پیش . برای فتح لکه های ظلم رهایی اینک رهایی با سرنگونی ارتجاع خمینی با تظلم عمومی مردم در ارگانهای توده‌ای همه ربه برای کنترل کارگری و خودهای بر تولید و توزیع با ۲۰۰۰۰۰ آغاز میشود و فردا رهایی در قدرت شورایی است .

کارگران و رحمتگان ایران ایران به رسالت خود ایمان
بیاورید ، فیم برای سرنگونی رژیم خمینی را باور کنید
پیروزی ار آن شماست . زنده باد کارگران مبارز ایران

سنگ بر جگ ، زنده باد صلح و آزادی

سجما - پیرو برنامه (هویت)

وامد شهیدای سجا کمل

۱ اردیبهشت ۱۳۴۷

چهارم تنزل یافته است . خوب ، مسلما رژیم برای اینکه بتواند هر چه بیشتر اقتصاد بیمار خود را با داروهای " تلخ " سرپا نگه دارد هر چه بیشتر به توده‌ها رو می‌کند . همه دسیسه‌هایی که در طول سالیان گذشته برای هر چه بیشتر جریحه زدن مردم اختراع شد ، همه در خدمت این سیاست بود . بعضی از کارگزاران رژیم با بیانی روشن چندی پیش وضعیت اقتصادی رژیم را اینچنین بیان کرده و گفته بودند: " برنامه ریزی " در جمهوری اسلامی به " برنامه در صفحه ۱۰

باید گفت که : در این میان تنها توده‌های مردم هستند که هر چه بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرند . همین که موسوی در هنگام توضیح لایحه می‌گوید: " اسامال مجموع پرداختهای ارزی جاری کشور ۲/۴٪ حتی نسبت به سال ۶۵ و ۵۰٪ نسبت به مدت مشابه در سال ۶۳ کاهش پیدا کرده " همه از جیب توده‌ها بالا کشیده شده ، همه و همه از افرادی گرفته شده است که در اثر این جنگ خانمانسوز روز بروز بچاره تر میشوند . بنا به گزارشات رسیده درآمدهای نفتی رژیم در سال گذشته در مقایسه با سال ۶۲ به یک

شدت گیری بحر آنها و بن بست های رژیم

طی یکی دو ماه اخیر، رژیم از جوانب مختلف متحمل ضرباتی شده که برایش حیوان ناپذیر خواهند بود. شکست نظامی در فاو و افشاء عملی خالصی بودن دست رژیم برای حمله نظامی موثر و متوالی بخاک عراق، تهاجم نظامی ناوگانهای امریکایی به تاسیسات و کشتی های جنگی رژیم و عکس العمل خفت بار رژیم خمینی در مقابل این اقدام حکومت ریگان، قطع رابطه عربستان سعودی با رژیم، شریسه موثر و انقلابی ارتش آزادپهخش ملی بر یکی از مهمترین لشکرهای رژیم خمینی، حمله هواپیماهای عراقی به بزرگترین نفت کش جهان که در خدمت رژیم خمینی قرار داشت و ۲ نفت کش دیگر، شکست نمایش انتخاباتی رژیم و تشدید تضادهای بین باندهای درونی رژیم و ۱۰۰ از مهمترین ضرباتی است که بر رژیم وارد شده است.

رفسنجانی به بهترین شیوه وضع رژیم را با جمله " زمان به ضرر ماست " بیان کرده است. از طرف دیگر کمبود ارز و مشکلاتی که رژیم بعثت فضای بین المللی برای خرید سلاح دارد، بن بست های رژیم را کاملتر میکند. رژیم برای تهیه ارز خارجی مجبور است نفت را ۷/۵ درصد ارزانتر از قیمت جهانی بفروشد. در مقابل این حاتم بخشی شد ملی، فشار بر مردم را افزایش میدهد. رژیم برای تهیه ارز خارجی تصمیم گرفت بلیط هواپیما برای مسافرت به خارج را به دلار بفروشد. این مسام اقدام فسادت بار، با واکنش مردم روبرو شد و رژیم مجبور شد از این اقدام صرف نظر کند.

شدت یابی بحران های درونی رژیم و نیز بحرانیها و بن بست لاعلاج رژیم خمینی، موج ناراضگی در توده ها را گسترش داده است. در جریان موشک باران شهر تهران، دهها اعتراض و تظاهرات موضعی بصورت فردی و جمعی صورت گرفته و بنا به گزارشات واصله رژیم در مواقع متعدد در موضع دفاعی قرار داشته است. تاکتیک اصلی رژیم در مقابل گسترش موج ناراضگی، سرکوب وحشیانه است. اما سرمد در مبارزه روزمره خود، عقب نشینی هایی را به رژیم تحمیل می کند. بعضی اخبار واصله دلالت بر این دارد که مزدوران رژیم دیگر قادر نیستند در کوچه و خیابان فشار بیش از حد بر مردم برای رعایت مقررات ارتجاعی رژیم وارد کنند. این عقب نشینی ها نه از خواست رژیم، بلکه بخاطر ضعف بودن رژیم و عدم توانایی اوست. این مسیری است که رژیم با شریات موثر جدید مقاومت، تا سرنگونی طی خواهد کرد.

در حاشیه یون چه سال ۶۷
از صفحه ۹
روزی " تغییر شکل داده است. خلاصه اینکه با اراده این بودجه که مسلما خیلی از مسائل دیگر آن توسط رژیم آشکار نشده همگی در خدمت جنگ و سرکوب قرار گرفته و اساسا هیچ گامی در جهت بهبود وضعیت توده ها در آن دیده نمیشود.

گرامی باد خاطره پر شکوه فدائی شهید رفیق سعیدسلطانپور



با کشورم چه رفته است

سعیدسلطانپور

با کشورم چه رفته است
با کشورم چه رفته است
که زندان ها
از شبنم و شقایق سرشارند
و بازماندگان شهیدان
انبوه ابرهای پریشان سوگوار
در سوگ لاله های سوخته می بارند
با کشورم چه رفته است که گلبا -
هنوز سوگوارند
با شور گرمیاد
آنک
منم که تفتت از گردبادها
در خارزار بادیه می چرخم
تا آتش نرفته به خاکستر
آشفته تر ز نعره خورشیدهای "تبر"
از قلب خالک های فراموش سر کشد
تا از قنات حنجره ها
فوج خشم و خون
روی غروب سوخته مرگد بر کشد:
این نعره من است
این نعره من است که روی فلان
- می پیچد
و خالک های سکوت زمانه تاریک
- را می آشوبد
و با هزار مشت گران
بر آب های عمان می گوید
این نعره من است که می روید
خاک تر زمان را از خشم روزگار
بعد از تو ا ۱۰۰۰ ی
ای گلشن ستاره دنباله دار اعدامی
ای خسرو بزرگ
که برق و لرزه در ارکان خسروان -
بودی -
ای آخرین ستاره

خونین ترین سرود
در باغ ارغوان
در ازدحام خلق
در دور دست و نزدیک
من هیچ نیستم
جز آن مسلسلی که در زمینه يك -
و خالی و برهنه و خونالود
سپم و سترگ و سنگین
در خون توده های زمان می فلند
تا مثل خار سهمنانک و درشتی
- روئیده بر گریه های گل سرخ -
آینده را
بماند
در چشم روزگار
بادآور شهادت شوریدگان خلق
بر ارتش مهاجم این نازی
این تزار
ای خشم ماندگار
ای خشم
خورشید انفجار
ای خشم
تا جوخه های تخیلی اعدام
در جامه های رسمی
آنک
آنک هزار لاشخور ای خشم
مثل هزار توسن یال افشان
خون شهید بدته است بر این ویران
دیگر بهار
بهار ای خشم
ای خشم چون گدازه آتشفشان بهار
روی شب شکسته استعمار
اما در بنخ و درد که "جبریل" های "و"
با شهر سبید

از هر طرف فرود می آیند
و قلب عاشقان زمان را
با چشم و چنگ و دندان میخابند
و پنجه های وحشت پنهان را
با خون این قبیله می آلودند
با این همه شجاع
با این همه شهید
با کشورم چه رفته است
با کشورم چه رفته است که از خالک -
میهن گلگون
از کوچه های دهکده
از کوچه های شهر
از کوچه های آتش
از کوچه های خون
با قلب سرداران
با قامت قیام
انبوه پاره پوشان
انبوه ناکهان
انبوه انتقام
نمی آیند
چشم میبورد مردان
دیری ست
در پرده های اشک نشسته ست
دیری ست قلب عشق
در گوشه های بند شکسته ست
چندان ز تنگنای قفس خوانندیم
کز پاره های زخم گلو بسته ست
ای دست انقلاب
مشت درشت مردم
گلمشت آفتاب
با کشورم چه رفته است

حقیقت اینست که در اینجا هیچکس و به هیچ وجه با جنگ موافق نیست و همه و همه صلح میخواهند حتی اگر منجر به شکست شود. طرز فکر من هم با دیدن مناظر دلخراش فعلی راجع به ادامه جنگ تا پیروزی بگنی عوش شد چون اوضاع و احوال کشور و اوضاع و احوال منطقه و طرز فکر کشورهای دنیا در مورد ایران طوری است که بهیچوجه پیروزی قطعی نصیب ایران نخواهد شد. در اینجا چندین بهار تظاهرات برای قطع جنگ و درخواست صلح شده است. در مصاحبه هایی که فرستنده های سیار با مردم کوچه و بازار می کنند همه و همه خواهان بگسره کردن جنگ هستند. دیگر شعار جنگه جنگ تا پیروزی شعار بی سره و بی مصرفی شده مخصوصا بعد از شکست فاسد و خاصه بعد از حمله امریکا به پایانه های نفتی ایران و غرق تعدادی از کشتیهای جنگی ایران حالا دیگر امریکا وکیل مدافع تمام کشورهای خلیج فارس شده و همه کشتیهای نفتکش کشوری خلیج فارس را زیر پرچم امریکا برده در سیخ عمومی که بعد از شکست در صفحه ۱۱

قسمت هایی از يك نامه رسیده از ایران

از صفحه ۳
اینکه وقتی به تهران رسیدیم یعنی در برگشت از ۱۰۰ بعثت رفتن نخست وزیر ترکیه به بغداد موشک زدند سه روز قطع بود. در این مدت ما توانستیم وسایل خودمان را جمع کنیم و به ۱۰۰ برویم. در هنگام سوار شدن به اتوبوس ۱۰۰ اولین موشک بعد از سه روز در دو کیلومتری ترمینال منفجر شد. و ما همه خرابیهایی ناشی از آنرا شنیدیم. نکته جالب که ۱۰۰ تشریف میگردد او میگفت نزدیک منزل ما سر خیابان سیلان يك موشک خورده بود مردم همه جمع شده بودند تماشا می کردند و همه ضجه و ناله می کردند و عده ای هم برای دزدی ریخته بودند. در این میان دست و پا و سر بود که از بدن جدا شده و به اطراف افتاده بودند.

پیام تسلیت مسئول شورای ملی مقاومت به یاسر عرفات

برادرم یاسر عرفات رهبر مقاومت و فرمانده گل انقلاب فلسطین ،
شهادت جانگداز ابوجهاد ، یکی از مشعلداران و پیشاتازان بزرگ انقلاب فلسطین را به تو ، به الفتح ، به سازمان آزادیبخش و به خلق قهرمان فلسطین تسلیت میگویم. فقدان برادر و یاور عزیز و قهرمان ابوجهاد البته بر قلب تو و قلوب همهی آزادگان و انقلابیون عالم سنگینی میکند و اشک همهی انسانهای شریف را جاری میسازد. اما بی تردید آمران و عاملان این جنایت پلید و فزاینده از آن طرفی نخواهند بست ، چرا که شهادت ابوجهاد همچنانکه زندگی و مبارزه اش ، جز بر عزم و عظمت و افتخار انقلاب فلسطین نخواهد افزود. شهادت ابوجهاد ، پیوند میان مردم سزیمینهای اشغال شده و قیام شکوهمند آنان را با سازمان رهبری کندسدهی انقلاب فلسطین اینک به اوج خود رسانده است .

همچنین باید بگویم که موضعگیری های کاملاً درست و انقلابی ابوجهاد در برابر رژیم جنگه امروز خمینی ، نخستین متحد اسرائیل در منطقه ، که از درک عمیق او از اوضاع منطقه سرچشمه می گرفت احترام وی را در نظر مردم ایران دوجندان کرده و اکنون با خون او مبر خورده است .
بار دیگر از سوی شورای ملی مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی ایران همدردی خود را در این مصیبت همراه با آرزوی پیروزی آرمان های ابوجهاد تقدیم نموده و برای خانواده های آن شهید بزرگ صبر و تحمل آرزو می کنم .

مسعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت
۲۷/فروردین ۱۳۶۷ - (۱۶/آوریل ۱۹۸۸)

قسمت هایی از يك نامه رسیده از ایران از صفحه ۱۰

فاو و حمله امریکایی سکوها و کشتی های جنگی ایران از طرف مسئولین جمهوری اسلامی داده شد . و از همه خواسته بودند برای مقابله با امریکا به پایگاههای سپاه پاسداران مراجعه کنند . تقریباً صد یک هم نرفتند یعنی هیچ کس مراجعه نکرده . . . زیرا اینجا دیگر همه از جنگ خسته شده اند و همه از هفتی سابق شده اند . حالا مردم میگویند ۹ سال صبر کردیم و همۀ شاعر دادیم تکلیف جنگ باید بکسره شود الان وضع طوری شده که حرفهای زادیو و تلویزیون را دیگر کسی قبول ندارد چون همه میدانند دروغ میگویند حاجیها را . اسلحه به سگه راه ندادند و عربستان سعودی نیز ارتباط خود را با ایران قطع کرد . دیگر کشورها بکلی منزوی شده . چند سال تظاهرات شد جنگ شده اوائل خودشان نمیدانستند چه کنند ولی حالا بشدت جلو تظاهرات را میگیرند . یک مصاحبه کننده تلویزیون که نظر مردم را راجع به جنگ ، جنگ تا پیروزی میخواست مردم او را گرفته و می گفتند تکلیف جنگ باید بکسره شود ما دیگر جنگ نمیخواهیم پولی مصاحبه کننده بگیا ره مصاحبه را قطع کرد . و گفت همه ملوات بقرستید به این طریق قضیه را که داشت با لا می گرفت فیصله داد . یعنی از دوستان تعریف میکرد که در یکی از حمله های موشکی زنی فریاد می کرد جنگ بس است ما دیگر جنگ نمیخواهیم از هفتی سابق شده ایم . کمیته چی هسا دور او را گرفته بعنوان اینکه این زن ترسیده وحالش بد است . به بیمارستان بردند همان بردنی است که دیگر کسی از او خبر ندارد . . .
آخوندها انقدر زرنگ هستند که خودشان پارکینگ

گزارشی از وضع مردم

از صفحه ۱
میده (آنهم چه خونهای) - رنش از صبح که بلند میشه باید بره با کوپن همه چیز که احتیاج دارند را تهیه کند ، باید حباط را تمیز کند و کمک صاحب خانه بکند ، صاحب خانه به آنها گفته باید بچه ها تو را از خونه بیرون ببرید چون میخوام بخوابم . با یک چنین وضعی در این خونه هیچ خنده ای به لب هیچکدام نیست . این کارگر دستهای همیشه زخمه ، لباس پا ره پوشیده ، یک شلوار نم تونه بخره ، بیراهن و شلوارش را می شور و خشک میکنه و می پوشه . نزدیک عید به صاحب کارش برای گرفتن کمک ، التماس می کنه ، صاحب کار میگه اگر نمیتونی ول کن برو . این زندگی یک کارگر جوان است . با اینکه این زن و شوهر همدیگر را دوست داشته اند ، مجبورند از هم جدا شوند . با دو تا بچه مثل دسه گل ، مادر بچه ها را باید ببره و شوهر هر شب میاد خونه و مثل سارون اشک می ریزه . آنهایی که زندگی متوسطی هم دارند با هزار درد تر مواد غذایی تهیه می کنند . این موارد را برایت شرح میدم .

۱ - شیر : برای تهیه شیر باید ساعت ۱۲ شب در صف رفت و با گذاشتن یک شیشه یا قوطی جا گرفت و بعد ساعت ۴ صبح باید رفت در کنار قوطی یا شیشه خود ایستاد . ساعت ۶ صبح شیر می آورند . بعد مردم صبح بهم میزنند و می خواهند جلو بزنند ، دعوا سر میگیره . به هر نفر ۲ شیشه شیر می دهند . بعد از طرف کمیته محل ، تقابله آنها را که بچه شیری دارند گرفته اند و از روی تقابله کارت پی دهند . آنها هم که زخم معده دارند باید از دکتر نامه بگیرند تا بتوانند یک شیشه شیر تهیه کنند . در این مورد هم اگر از ساعت ۸ صبح دیرتر بروند ، شیر تمام میشود .

۲ - نان : باید از ساعت ۱۰ صبح رفت در صف تا حدود ساعت ۱۲ یا یک بعد از ظهر تا بتوان نان خرید .
۳ - گوشت : برای تهیه گوشت و مرغ باید از ساعت ۳ یا ۴ صبح رفت توی صف . به هر نفر ۷۰۰ گرم گوشت میدهند . برای دو نفر یک نصف مرغ هم میدهند . این سهمیه یک ماه است . اما اگر کسی بخواد گوشت آزاد بخرد باید از ساعت ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر در صف بایستد . تا زگیل فروش گوشت آزاد ندغدن شده . باید اگر کسی بخواد گوشت آزاد بخرد به دهات برود و با داشتن آشنا ، گوشت تهیه کند . عموماً اشغال گوشتها را به کوپنی ها میدهند و قسمت های خوب گوشت را به قیمت آزاد می فروشند

ادارات را با پارچه قسمت ، قسمت کرده اند و مردم را در آنجا زیر نظر پاسداران کمیته بعنوان پناهگاه شانۀ روزی نگه میدارند که همه حرکات آنها و حرفهای آنها را زیر نظر داشته باشند و مردم ساده که قضیه را نمیدانند از ترس موشک زیر پناه خود جانپان خونخواز رفته اند با مردم را مخصوصاً پاسداران چادر و چراغ والور در کنار جاده ایعلی و رود هسن دور از شهر زیر نظر پاسداران کمیته نگه داشته اند که در شهر نباشند شلوغ کنند و شعار ضد جنگ بدهند

۴ - تخم مرغ : به ۲ نفر ۲۰ عدد برای یکماه میدهند . باید در صف ایستاد که با دعوا و کتک کاری بتوانی تهیه کنی . فروش آزاد آن در تهران ممنوع شده است . ولی قبلاً شانهای ۱۴۰۰ ریال بود .
۵ - برنج : برای هر دو نفر در مدت ۳ ماه ۶ کیلو برنج میدهند که باید در صف طولانی ایستاد .
۶ - پیودر لباسشویی ، مایون ، شامپو ، همه کوپنی است که در صف با دعوا و کتک کاری باید تهیه کرد . وقتی بچه یک خونه در جنگ کشته میشه از طرف دولت و کمیته محل ، میان حجله میزنند و به خانواده اش کمی برنج و روغن میدن . و با سه نفر از طرف کمیته میان تو خونه که مواظب باشند کسی گریه و زاری نکند . کمیته چپها میخوان این فرمول را توی دهان خانواده های کشته شدگان بیاندازند که " یکی دادیم ، بقیه بچه ها مون هم براه اسلام میدم " کسانیکه این حرفها را زنند ، هیچی که به آنها نمیدن ، اجازه عزاداری هم به آنها نمیدهند .
روزیایی که دولت میخواد تظاهرات راه بیانداره مادر این قربانیان جنگ را با اجبار و یا اینکه با دادن کمی پول میریزه توی اتوبوس و می بره . مثلاً بهشت زهرا که شعار بدهند مرگبر امریکا ، مرگبر شوروی ، مرگبر . . . توی مدرسه هم بطور مرتب توی گوش بچه ها میخوند که شما باید بروید جبهه . اگر خانواده بچه حزب الهی باشد ، به او میگویند حرف مسئولین را گوش کن . ولی اگر خانواده دانش آموز حزب الهی نباشند ، مجبور است با انواع و اقسام وسایل آموزش و سرگرمی این فکر را از سر بچه شون دور کند . مواقعی شده که از سر کلاس ، داوطلب جمع کرده و برده اند به جبهه . حزب الهی ها که به جبهه میروند ، اگر برگردند کلی از جامعه طلبکار میشن . بعضی ها هم به اسم اینکه میخوان برن جبهه در حجله ها و ادارات گردن کلفتی می کنند . یک نفر را می شناسم که یک شلوار زرد رنگه که در میدان فوزیه می فروشند و آنهایی که میخوان برن جبهه جبهه می پوشند ، خریده و پوشیده و مرتب میگه میخوام برم جبهه . یک نفر دیگر را می شناسم که او را برده بودن جبهه ، او در اولین فرصت فرار می کنه و میره یک جایی قایم میشه و پس از مدتی میاد با کلی دروغ میگو که در جبهه بودم و گم شدم و بدست عراقیها افتادم و فرار کردم . بالاخره به او ۱۸ هزار تومن و یک کارت میدهند و حالا او میگه من رفتم جبهه ، هیچکس حق نداره به من حرفی بزنه یک سرپا می گفت که دو سال تمام در گیلان قرب بوده و ۱/۵ سال آنرا در زراعی که پر از موش بوده زندگی کرده است .

بخشی از کمک های مالی دریافتی
آقای ت - م از ویرجینیا ۲۲۵ دلار در چهار نوبت
آقای ت - م از ویرجینیا ۱۰۸ دلار کمک به انتشارات سازمان در امریکا
آقای ب از ویرجینیا ۳۰ دلار
آقای الف - ک از ویرجینیا ۲۵ دلار
خانم ش از مینوسوتا ۲۵۰ دلار در دو نوبت
آقای ج - ث از مینوسوتا ۱۰۰ دلار در دو نوبت
آقای ا - ط از نیوجرسی ۷۵ دلار
آقای ر - ا از تگزاس ۸۴ دلار
آقای ر - ا از تگزاس ۱۰ دلار برای تقویم
آقای م - ل از مینوسوتا ۱۵ دلار
یک هسطن در تظاهرات نیویورک ۵۰ دلار
خانم نازی ۱۲۰۰ دلار
آقای ج - ع ۳۰۰ کرون دانمارک برای کردستان

اخبار و رویدادها....

گرامیداشت اول ماه مه

اول ماه مه در سراسر جهان، به اشکال مختلف برگزار شد. در مسکو جشن بین المللی کارگران بنا شکره در چه تماشایر و با شرکت رفیق میخائیل گورباچف برگزار شد. در این مراسم سفیر کشورهای غربی بعد از چند سال، بابت کوت خود را شکسته و در مراسم شرکت نمودند.

در نیکاراگوئه مراسم اول ماه مه با حضور رفیق دانیل اورنگا برگزار شد. اورنگا در این مراسم نسبت به بیست مذاکرات با گذر اها هشدار داد. و سرزمینهای اشغالی، مراسم اول ماه مه در پاسخ به دعوت فرماندهی نیروهای انقلابی فلسطینی به صورت تظاهرات گسترده برگزار شد. این تظاهرات توسط مپیونست ها به گلوله بسته شد. همچنین تظاهرات اول ماه مه در ترکیه، شیلی، هندوراس افریقای جنوبی و چندین کشور دیگر، توسط پلیس رژیمهای حاکم بر این کشورها، مورد یورش قرار گرفت. در ایستادن بنید کارگران طرفدار جنبش همبستگی و ارتش دژو خورد بوجود آمد. در ایران تحت حاکمیت خمینی، کارگران نتوانستند جشن بین المللی خود را برگزار کنند. رژیم با سیج حزب الهی ها و اعزام اجباری تعدادی از کارگران به جبهه های مرگ و دیدن روز کارگر را به اصطلاح برگزار نمود و کارگران امتثال نیز تحت حاکمیت رژیم ضد کارگری خمینی مجبور به عدم برگزاری علیی مراسم مستقل خود شدند. همچنین به ناسبت بزرگداشت اول ماه مه هواداران سازمان در خارج از کشور با شرکت در راهپیمایی های کارگری و بخش تراکت و اعلامیه این روز را گرامی داشتند.

قطع رابطه عربستان سعودی با رژیم خمینی

به گزارش خبرگزاری فرانسه دولت عربستان سعودی در تاریخ ۶ اردیبهشت ماه جاری علیه روابط سیاسی - اقتصادی و تجاری خود با رژیم خمینی را قطع کرد. این تصمیم دولت عربستان سعودی توسط ملک فهد و شورای وزیران عربستان اتخاذ گردید. وزارت خارجه عربستان سعودی در رابطه با این موضوع طی یادداشتی اعلام کرد که رژیم خمینی قصد دارد امتثال نیز همچون سال گذشته در مراسم حج در مکه ایجاد آشوب بنماید، و همچنین اقدامات تروریستی رژیم خمینی در خارج فارس و حمله به کشتیهای بازرگانی توسط این رژیم از دلایل دیگر قطع رابطه عنوان شده است.

بدینحال برخورد ناو ساموئل رابرتسن امریکایی با یک عدد موزیکه توسط رژیم خمینی در خلیج فارس کار گذاشته شده و منجر به وارد آوردن خسارتی به این ناو گردید. بدستور ریگان، رئیس جمهور امریکا رزمناوهای دیگر امریکایی در این منطقه اقدام به حمله به دو سکوی نفتی ایران به نامهای ساسان و سیری نمودند. و بدینحال آن دو کشتی جنگی امریکایی و ایرانی بطرف دم شلیک نمودند که در نتیجه آن یک کشتی موشک انداز ایرانی غرق گردید و در جریان این حملات به یک ناوچه دیگر ایرانی خسارتی وارد شد. در اقدامات تلافی جویانه رژیم خمینی اقدام به شلیک موشک و اقدام به سکوی نفتی بنام "مبارک" در ۵۰ کیلومتری آبهای ساحلی امارات متحده عربی نمود و آنرا حمله به امریکا نام نهاد. چیزی که در این رابطه بسیار مضحک است، اینکه در این حوضه نفتی ایران با شارجه یکی از شیخ نشینهای عضو سازمان متحده عربی شریک بوده و رژیم خمینی در حساب و اعتراض سفیر امارات متحده این حمله را اشتباه نیروهای رژیم قلمداد کرد و بدینوسیله آنرا تأیید نمود. در رابطه با حمله رزمناوهای امریکایی به تأسیسات و کشتیهای جنگی رژیم خمینی، چه کسی چگونه کاندیدای سیاهپوست ریاست جمهوری امریکا اظهار نظر جالبی نموده است. نوع پس از این تهاجم

برخی از رویدادهای تاریخی

خرداد ماه

داخلی:

۱۳۳۰ - خلعید از امپریالیسم انگلیس توسط دولت ملی دکتر مصدق
۱۳۳۲ - حمله مزدوران رژیم شاه به میهنکده حزب توده در بابل و شهادت تعدادی از تظاهر کنندگان
۱۳۳۷ - اعتصاب ۴۰۰۰۰ کارگر کوره پزخانه
۱۳۴۲ - قیام خونین و ضد دیکتاتوری ۱۵ خرداد
۱۳۴۹ - شهادت ایت الله سعیدی زیر شکنجه
۱۳۵۱ - شهادت بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران، محمد حنیف نژاد، سعید محسن، علی اصغر بدیع زادگان، رسول مشکین فامو محمود عسکری زاده
۱۳۵۲ - شهادت قهرمانانه مجاهد خلق رضا رضایی
۱۳۵۸ - چهارشنبه سیاه، روز سرکوب خلق و سرکوب خوزستان ایران توسط رژیم ارتجاعی خمینی به فرماندهی تبهساز شاهنشاهی منشی خاشن
۱۳۱۰ - تصویب قانون ضد کمونیستی معروف به قانون سیاه توسط رژیم رضا خان قلندر
۱۳۵۹ - شهادت دکتر علی شریعتی
۱۳۶۰ - تظاهرات ۵۰۰ هزار نفری مردم تهران و حمله اویسان خمینی بدان و شهادت مهتاب میلوشویچ
مجاهد در تهران و شهرستانها و روز آغاز مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی
۱۳۶۰ - شروع اقدامهای دسته جمعی رژیم خمینی منجمده اعدام رفیق سعید سلطانپور و اعدام محسن فاضل از اعضای سازمان پیکار
۱۳۶۲ - اعدام وحشیانه و دسته جمعی ۵۹ نفر از مردم قهرمان مهاباد
۱۳۶۲ - اعدام شیخ کودتای باند کامیابی - زهری، علیه خط اصولی در سازمان اقلیت خارجی:

۱۹۷۹ - حمله نرایی جبهه ساندنیدست علیه نیروهای پیروزان در نیکاراگوئه
۱۹۶۹ - تظاهرات دولت سؤقت انقلابی خلق ویتنام جنوبی
۱۹۶۷ - آغاز جنگ شش روزه اجزای و اسرائیل
۱۹۶۵ - سالروز انقلاب عمان و آغاز مبارزه مسلحانه جبهه خلق برای آزادی عمان
۱۹۲۸ - تولد رفیق آرزو چه گیوارا
۱۹۵۴ - کودتا علیه دولت ملی آریب در گواتمالا توسط امپریالیسم امریکا
۱۹۶۳ - تأسیس سازمان وحدت افریقا
۱۸۷۱ - شکست کمون پاریس و اعدام انقلابیون کمون بوسیلده نیروهای ضد انقلابی و ارتجاعی فرانسه
۱۹۲۷ - تشکیل نخستین شکل کمونیستی بنام اتحادیه کمونیست ها بوسیلده مارکس و انگلس

مطبوعات خارجی

از صفحه ۸
اگر جریان دیگری در میان باشد و صحبت از عرضه خدمات برای کشتی های جنگی اتحاد شوروی باشد، در اینصورت این می تواند مطلبی باشد که در مذاکرات در باره نگرانیهای استراتژیک به پیش کشیده شود.

پایان بخش اول
برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان در امریکا و کانادا با آدرس زیر مکاتبه کنید.
HOVE, YAT
P.O. BOX 2891
RESTON, VA 22090

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

شهادت فدایی خردادماه

برای فتح قله های
پروصلابت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به برابری؛
یاهرگ یاپیروزی.

رفقا: حسن نیک داوری - امیر پرویز پویان - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرو نخیری - بهروز دهقانی - حسن معصومی همدانی - علیرضا شهباب رضوی - مریم شاهی - نادر شایگان شام اسی - حبیب براداران خسرو شاهی - خسرو ترکل - حسین سلاحی سینا طالب زاده شوشتری - علیرضا رحیمی علی آبادی حسین موسوی دوست موجالی - رفعت معماران بنام سلیمان پیوسته حاجی محله - نعمت با شعور - سعید سلطانپور - ماریا کاظمی - منصور فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی (در هند) - محمد رضا محمدیان بابا علی اکالک رشید) - حمید میرشکاری ولی سوسی - منوچهر اویسی - جعفر قنبر نژاد نبوتش آذربای - طی سالهای ۴۹ تا کنون در خرداد ماه در درگیری با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع به شهادت رسیده و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی اعدام شده اند.



با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.
کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، با مستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی جدید

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE
BOULOGNE - S. - SEINE
03760
00050097851
MME: R.L_TALAT